

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صبح شد و بانگ الرحیل برخاست و "قافله عشق" عازم سفر تاریخ شد. خدایا، چگونه ممکن است که تو این باب رحمت خاص را تنها بر آنان گشوده باشی و دیگران را از این دعوت محروم خواسته باشی؟ آنان را می گویم که عرصه حیاتشان عصری دیگر از تاریخ کره ارض است. هیئات ماذلک الظن یک ما را از فضل تو گمان دیگری است. پس چه جای تردید؟ راهی که آن "قافله عشق" پای در آن نهاد راه تاریخ است و آن بانگ الرحیل هر صبح در همه جابر می خیزد. واگر نه، این راحلان "قافله عشق"، بعد از هزار و سیصد چهل و چند سال به کدام دعوت است که لبیک گفته اند؟





این خون **سیدالشهدا** است که خون های همه ملت های اسلامی
را به جوش می آورد و این دستجات عزیز عاشوراست که مردم
را به هیجان می آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی
مهیامی کند. در این امر سستی نباید کرد. سیدالشهدا همه جا
هست. «کل ارض کربلا» همه جا محضر **سیدالشهدا** است ...
امام **حسین** نجات داد اسلام را ...



شروع جاذبه ی مغناطیس **حسینی**، در روز اربعین است.
جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می کند و به کربلا می کشد.
این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای
متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت
دارند، عشق و شور به **کربلا** همیشه در دلشان زنده است. این از
آن روز شروع شده است ...

الدين يوم الورد شهرنا الله أكبر

وشتابى قدم سداى مىتابد مع
الحسين واضحاب الحسين
الدين بدلا ليهلهم كون الحسين عليه السلام

تافلمنا ویژه نامه سفر پیاده روی اربعین حسینی ستاد مردمی راهیان کربلا- استان قزوین

- تحریریه: جمعی از نویسندگان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
- طراحی جلد و صفحه آرایی: طراحان انقلاب اسلامی
- تیسراژ: ۱۰۰۰ عدد
- آرشو عکس: جامعه ایمانی مشعر - مجمع اردویی رحیل - خبرگزاری فارس
- مآخذ: نشریه شب های هیئت - راهنمای مصور عراق - وبگاه اربعین و شمس - روزنامه خراسان
- قیمت: ۵۰۰۰ تومان
- حق چاپ و نشر نداریم اما این ویژه نامه غیر قابل فروش است.



❖ فصل نجف

عجب تمثیلی اسست این کہ علی مولود کعبه است .

یعنی باطن قبله را در امام پیداکن ...



علامات مومن

خداوند می فرماید: «وَمَنْ يُعْطَمْ شَعَائِرُ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/۳۲) تمام تقواها مرتبط به قلب است و جسد به منزله خادم [قلب] است و اختصاص شعائر به این است که تقوا را در قلوب دیگران تثبیت می نماید و علاماتی هستند که به واسطه آنها به ذی‌العلامه پی می برند. فرموده اند: «غَلَاظَاتُ الْمُؤْمِنِ خُمْسٌ: صَلَاةُ الْإِخْدَى وَالْخُمْسِينَ، وَزَيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّحَنُّنُ فِي الْيَمِينِ، وَتَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.» (تهذیب الاحکام شیخ طوسی، ج ۶ ص ۵۲ - مزار شیخ مفید، ص ۵۳ و مسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۸۷) ... پس هر عبادتی که سبب شود از برای دخول دیگران در یاد خدا و در اطاعت خدا، مقرب است از دو جهت؛ یکی از آن جهت که خود، مأمور به است و دیگری از آن جهت که تهییج دیگران به سوی اطاعت است... طواف بیت [الله] عبادت است از دو جهت؛ زیرا خودش مأمور به است و سبب می شود برای دخول دیگران به آن و امثال آن.

آیت الله العظمی بهجت (ره)



فضیلت زیارت امیرالمومنین (ع)

شیخ طوسی به سند صحیح از محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: خداوند خلق نغمه مخلوقی بیشتر از ملائکه و بدرستی که هر روزی نازل می شود هفتاد هزار ملک و بیایند به بیت المعمور و طواف می کنند به دور آن و چون از طواف آنجا فارغ شدند، به طواف کعبه می روند و چون از طواف کعبه فارغ شدند، بسوی قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله می آیند و سلام می کنند بر آن حضرت. پس از آن می آیند به بسوی قبر امیرالمومنین علیه السلام و سلام می کنند بر آن حضرت، بعد از آن می آیند نزد قبر حسین علیه السلام و سلام می کنند بر آن جناب. پس از آن به آسمان بالا می روند و مثل ایشان هر روز نازل می شود تا روز قیامت. پس فرمود آن حضرت که هر که زیارت کند امیرالمومنین علیه السلام را و عارف به حق آن حضرت باشد، یعنی آن جناب را امام واجب اطاعت و خلیفه بلافضل داند و از روی تجبیر و تکبیر به زیارت کند، حق تعالی بنویسد از برای او اجر صد هزار شهید و گناهان گذشته و آینده او را ببامرز و مبعوث گردد در روز قیامت از جمله ایمنان از احوال آن روز. و آسان گرداند بر او حساب را و استقبال نمایند او را ملائکه. و چون برگردد از زیارت او را مشایعت نمایند تا به خانه خود برگردد. و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند. و اگر بمیرد متابعت جنازه او بکنند و از برای او طلب آمرزش نمایند تا قبرش.

نصیحت مومنانه

شخصی آمد خدمت مولای متقیان علی (ع) و گفت: یا امیر المومنین! مرا نصیحت کن. علی نصایح زیادی کرد. دو جمله اولش را برایتان عرض می کنم، فرمود: لاتکن ممن یرجوا الآخره بغیر عمل و یرجى التوبه بطول الامر، یقول فی الدنيا یقول الزاهدین و یعمل فیها یعمل الراغبین. همین دو جمله فعلا ما را بس. فرمود: نصیحت من به تو اینکه از آن کسان مباش که امید به آخرت دارد اما می خواهد بدون عمل به آخرت برسد؛ مثل همه ما، مامی گوئیم حب علی بن ابیطالب کافی است. تازه حب ما حب حقیقی نیست؛ اگر حب حقیقی بود عمل هم پشت سرش بود. می گوئیم همین وابستگی ظاهری کافی است! ما خیال می کنیم یک گریه دروغین بر امام حسین کافی است. ولی امیر المومنین فرمود اینها دروغ است. اگر حب علی بن ابیطالب تو را به عمل کشاند، بدان که تو بر حسین بن علی گریه کرده ای این گریه تو راستین است. اگر نه، فریب شیطان است. جمله دوم «و یرجى التوبه بطول الامر» ای مرد! از آن کسان مباش که احساس نیاز به توبه را در وجود خود دار ند اما همیشه می گویند دیر نمی شود، وقت باقی است. آزادی معنوی، شهید مطهری



اللهم اغفر لعلی بحق علی

روایت شده روزی حضرت علی علیه السلام خدمت پیامبر رسیدند و عرض کردند: یا رسول الله برای علی از خدا طلب بخشش نما؛ پیامبر سر به سجده گذاشتند و فرمودند: «اللهم اغفر لعلی بحق علی». سپس حضرت از پیامبر سؤال کردند که بخشش مرا به خودم قسم می دهید؟ پیامبر فرمودند: علی جان! چه کسی از تو نزد خدا عزیزتر است که خدا را به او قسم دهم.



با پیامبر خدا (ص) در یکی از کوچه های مدینه قدم می زدیم. در طول مسیر به بستان سر سبزی بر خور دیم، به آن حضرت عرض کردم: عجب باغ زیبایی است؟! فرمود: آری، زیباست، ولی باغ تو در بهشت، زیباتر خواهد بود. (از آنجا گذشتیم) به باغ دیگری رسیدیم، باز گفتم: عجب باغ زیبایی است؟! فرمود: بله، زیباست، اما باغ تو در بهشت زیباتر است. به همین ترتیب با هفت باغ مواجه شدیم و هر بار گفتگوی بالابین من و رسول خدا (ص) تکرار میشد، در پایان راه ناگهان رسول خدا (ص) دست در گردنم انداخت و در حالی که مرا به سینه خود میفشرد به گریه افتاد و فرمود: پدرم به فدای آن شهید تنها، پرسیدم: ای فرستاده خدا! گریه برای چیست؟ فرمود: از حقد و کینه های مردم که در سینه هانها کرده و آنها را پس از من آشکار سازند: کینه هایی که ریشه در پدر و احد دارد و میراث از آن برده است آنها خونهای ریخته شده در احدا را از تو طلب میکنند. پرسیدم: آیا در آن روز دینم سلامت خواهد بود؟ فرمود: آری. سپس فرمود: مژده باد بر تو: مرگ و حیات تو با من است (یعنی در دنیا آخرت با من خواهی بود). تو برادر من و وصی و برگزیده من و نیز وزیر و وارث من خواهی بود آنکه قرضهایم ادا کند و بر وعده هایم جامه عمل پوشاند، تو هستی. علی! تو ذمه ام را بری سازی و امانتم را رد نمایی و بر سنت من، با نا کثین و قاسطین و مار قین پیکار نمایی. نسبت تو با من، همچون هارون با موسی است. تو مانند هارون در میان امت من هستی: قومش او را ضعیف شمردند و در اندیشه کشتنش برآمدند. بر ظلمی که از قریش بینی، شکیبایش و بر همدستی آنها علیه خود، صبور باش....

کشف الغمه ج ۷ ص ۱، صفحه ۹۶

روزی که قلعه خیبر را فتح کردم و دروازه آن را گشودم، رسول خدا (ص) به من فرمود: اگر خوف آن نبود که گروهی از امت من، مطلبی را که مسیحیان درباره حضرت مسیح گفته اند، درباره تو نیز بگویند، در حق تو سخنی میگفتم که از جایی عبور نمیکردی، مگر اینکه خاک زیر پای تو را برای تبرک میگیرفتند و از باقیمانده آب وضو و طهارت استشفای نمودند. اما برای تو همین افتخار بس، که تواز منی و من از توام میراث بر من هستی و من نیز از تو، ارث می برم. مقام و منزلت تو نزد من همچون هارون نسبت به موسی است، جز اینکه رشته نبوت پس از من بریده است. تو آن کسی هستی که دیون مرا ادا خواهی کرد و بر سنت و شیوه من (با منافقان) به پیکار پردازی و در روز واپسین از همگان به من نزدیکتر خواهی بود.

بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲

نیکی از خدا

دلیم در محفل ذکر علی بود...

شخصیت با عظمت امیر المومنین علیه السلام همیشه مورد توجه محققین، مولفین و بزرگان جهان بوده است و نظرات خود را در مورد شخصیت ایشان بیان داشته اند که در این مطلب به برخی از آن نظرات می پردازیم.

– امام خمینی (ره):

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن، بزرگ ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است؛ از امام معصوم ما است.

– نرسین:

– اگر علی این گوینده با عظمت، امروز در کوفه بر منبر قرار می گرفت، شما مسلمانان می دیدید که مسجد کوفه با همه وسعتش از اجتماع مردم مغرب زمین برای بهره وری از دریای خروشان علی موج می زد.

– جرج جرداق:

نزد حقیقت و تاریخ یکسان است او را بشناسی یا نشناسی، تاریخ و حقیقت گواهی می دهند که او وجدان بیدار و قهار، شهید نامی، پدر و بزرگ شهیدان، علی بن ابی طالب، صوت عدالت انسانی، شخصیت جاوید شرق است! ای جهان چه می شد اگر هر چه قدرت و قوه داری به کار می بردی و در هر زمان علی با آن عقلش، با آن قلبش، با آن زبانش و با آن ذوالفقارش به عالم می بخشیدی؟!

– کار لایل:

اما علی، ما را نمی رسد جز آن که او را دوست بداریم و به او عشق بورزیم، چه او جوانمردی بس عالیقدر و بزرگ نفس بود، از سر چشمه وجدانش خیر و نیکی می جوشید، از دلش شعله های شور و حماسه زبانه می زد، شجاع تر از شیر ژبان بود ولی شجاعتی ممزوج با لطف و رحمت و عواطف رقیق و رافت... در کوفه غافلگیر و کشته شد، شدت عدلش موجب این جنایت گردید!... پیش از مرگش درباره قاتل خود گفت: اگر زنده ماندم خود می دانم و اگر در گذشتم کار به دست شماست، اگر در گذرید به تقوا نزدیک تر است!...

– جبران خلیل جبران:

علی بن ابی طالب از این دنیا چشم فرو بست، مانند آن پیامبران که به قومی مبعوث می شدند و آن قوم شایستگی آن پیامبران را نداشتند، و در جوامعی زندگی می کردند که جوامع آنان نبوده است...

– میخائیل نعیمه

در واقع هیچ مورخ و نویسنده ای به هر اندازه که باهوش و با شخصیت و نکته سنج و نابغه باشد، امکان ندارد که حتی در هزار صفحه بتواند تصویر کاملی از علی نشان بدهد. آنچه که این شخصیت بزرگ، بین خود و خدای خود گفته و عمل کرده از اموری است که هرگز هیچ گوشی و هیچ چشمی مانند آن را نشنیده و ندیده است، بنابراین هر تصویری که ما از او ترسیم کنیم مسلماً تصویری ناقص خواهد بود، تنها چیزی که ما به آن امیدواریم، جنبش و تکانی است که به زندگی ما می دهد.



ت م
چیز ها یی
که از این مکان
شنیده بودم در ذهنم
جان می گرفت. شهر خاموشان
و صالحان. امام علی (علیه السلام)
می فرمایند: در این سرزمین ارواح مؤمنان



دسته دسته با یک دیگر صحبت می کنند و هر مؤمنی

در هر جایی از زمین بمیرد به او گفته می شود: «به وادی السلام

ملحق شو که وادی السلام جایگاهی از بهشت است».

از امام صادق علیه السلام هم نقل شده هر مؤمنی که در شرق یا غرب عالم بمیرد،

خداوند روحش را به وادی السلام می برد. از این قبرستان خداوند هفتاد هزار نفر را بدون حساب

وارد بهشت می کند. به یکباره یاد خیرهای حمله امریکا به عراق، تیر اندازی به سمت وادی السلام و هتک

حرمش افتادم. مسیر به سمت مرقد حضرت هود و صالح نبی شلوغ بود. چون از دحام زیاد بود داخل نرفتم و چند دقیقه ای رو بروی بقعه ایستادم. زائرین کشور های دیگر هم آنجا بودند. بعد از آنجا به سمت مدفن آقای قاضی حرکت کردیم.

کنار قبر آقای قاضی یک سید جوان روحانی ایرانی نشسته بود و درباره مقام معنوی ایشان صحبت می کرد، مقداری هم

موعظه نمود. اتاقکی کنار قبرشان وجود داشت که درش قفل بود. می گفتند اینجا محل مراقبه ایشان بوده. عکس

آقای قاضی هم سر در اتاقک نصب بود. به قول دوستی، چشم های آقای قاضی حتی توی عکس هم نافذ

است. انگار دارد تک تک زائرینش را برانداز می کند و باطن شان را می بیند. در این قبرستان علاوه

بر قبور اهالی عراق و علما و انبیا، قبور مردم مختلفی از ایران، هند، پاکستان، لبنان و ... هم

دیده می شود مانند رئیس علی دلواری از دلیر مردان تنگستان بوشهر که در تبرد

با انگلیسی ها کشته شد. نزدیک ظهر بود و تلخی نرسیدن به نماز صبح

حرم در خاطر مان. سریع به هتل برگشتیم و آماده رفتن به حرم

شدیم. نزدیک حرم همان شلوغی و ازدحام بود به اضافه

تلی از دمپایی و کفش جلوی ورودی آقایان. یاد

آیه "فاخلع نعلیک" افتادم. مثل بقیه

دمپایی ها رو به گوشه گذاشتم

و از باب الفیل وارد حرم

شدم.



در وازه بهشت

از حرم که برگشتیم، بعد صرف صبحانه آقای نوروزی توی لابی هتل اعلام کرد که گروه ۴ ساعت ۱۰ جمع شوند برویم "وادی السلام".

خیلی استقبال کردیم چون سفر قبل که توفیق زیارت عتبات را داشتیم، ما را وادی السلام نبردند. گفتند امنیت ندارد. ماهم حرف

گوش کن بودیم و مثل بعضی ها انفرادی و سر خود نرفتم. هر چند بعدش که فیلم "صبح روز دهم" را توی جشنواره فیلم فجر دیدیم

-قسمت هایی از فیلم توی وادی السلام فیلم برداری شده بود- حساسی خلوت و خوفناک بودن آنجا دستگیر مان شد. (فیلم عصر

روز دهم چون ایام محرم توی کر بلا فیلم برداری شده. دیدنش رو توصیه میکنیم، قسمت هاییش هم توی بین الحرمین)

رفتیم اتاق آماده شویم که نوای دلنشین یک دسته عزاداری ایرانی ما را به سمت پنجره کشاند. خیلی جالب بود، دسته عزاداری دانش

آموزی بود که ظاهر آمی خواستند برای وداع بروند حرم امیر المومنین و بعد سمت جاده کربلا سر بند زرد داشتند و پرچم های سیاه

"یا ثارات الحسین". محزون می خواندند. تو این لحظه بود که متوجه نکته ای شدیم؛ برای اولین بار بود که پشت پنجره اتاق رفته

بودیم و بیرون را می دیدیم. شب قبل که رسیدیم هتل، تو اون تاریکی چشم جایی را نمی دید. به یکباره منظره ای دیدیم که اولش

نفهمیدیم کجاست. بیشتر که دقت کردیم فهمیدیم بله! هتل ما رو بروی وادی السلام است و پنجره اتاق ما دقیقا مشرف به آن.

بالاخره حول و حوش ساعت ۱۰ گروه را می شد سمت وادی السلام، چقدر شلوغ بود. شاید به خاطر همین شلوغی است که می شود رفت!

فضاسنگین بود. بسیاری از مقبره ها به شکل اتاق های زیرزمینی بودند که در آن چند قبر وجود داشت. اجساد چندین متر زیر اتاقک های

زیرزمینی خاک شده بودند و به یادشان تنها سنگ قبر هایی در دیوار این اتاقک ها وجود داشت. پستی بلندی قبر ها آدم را می گرفت. مقبره

ها قدیمی و کاهگلی بودند، جالبه بعضی از قبر ها بناهایی بودند حیاط دار. مثل یک خانه درخت و پشت بام داشتند.

خطی روشن

زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه‌ی خصلت‌های نیک یک انسان و یک زمامدار است - انسان مشاهده می‌کند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله‌ی بصیرت‌بخشی و بصیرت‌دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه‌ی ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه‌ی مردم و ایمان مردم به کار رفته است.

در جنگ صفین وقتی طرف مقابل که احساس میکرد دار دشکست میخورد، برای اینکه جنگ را متوقف کند، قرآن‌ها را سر نیزه کرد، یک عده‌ای آمدند دور امیرالمؤمنین را گرفتند و فشار آوردند که باید تسلیم شوی و جنگ را تمام کنی؛ اینها قرآن را مطرح کردند. کار مزورانه‌ای بود، کار عجیبی بود. حضرت فرمود: شما اشتباه میکنید؛ شما اینها را نمیشناسید. این کسانی که امروز قرآن را به عنوان حکم مطرح میکنند، به قرآن اعتقاد ندارند. من اینها را میشناسم. «آنی عرفتهم اطفالا و رجالا»؛ من دوره‌ی کودکی اینها را دیدم، دوره‌ی بزرگی اینها را هم دیدم. «فكانوا شرّ اطفال و شرّ رجال»؛ بدترین‌ها بودند. اینها به قرآن اعتقادی ندارند. وقتی در تنگنا گیر میکنند، قرآن را مطرح میکنند. البته آنها گوش نکردند، اصرار ورزیدند و دنیای اسلام خسارتش را خورد.

امیرالمؤمنین اهل بصیرت دادن است. امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد میشوند، با ابزارهای اخلاق وارد میشوند؛ باید هشیار بود. آنجائی که میخواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آنجائی که میخواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ در حالی که نه به اسلام و قرآن اعتقادی دارند، نه به حقوق بشر اعتقادی دارند. این را امت اسلامی باید بداند. ملت ایران در طول این سی سال، سی و یک سال اینها را آزموده است؛ امروز هم باید بدانیم، همه‌ی ما باید بدانیم.

امیرالمؤمنین در آن لحظه‌ی فریب و فتنه، به دوستان خود نهیب می‌زند: «امضوا علی حقکم و صدقکم»؛ این راه حقی که در پیش گرفتید، این حرکت صادقانه‌ای که دارید انجام میدهید، این راه را از دست ندهید و رها نکنید؛ با حرف‌های فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان، در دل شما تزلزل به وجود نیاید؛ «امضوا علی حقکم و صدقکم»؛ رها تان راه درستی است. خاصیت دوران فتنه - همان طور که بارها عرض کرده‌ایم - غبار آلودگی است، مه آلودگی است. نخبگان گاهی دچار خطا و اشتباه میشوند. اینجا شاخص لازم است. شاخص، همان حق و صدق و بینه‌ای است که در اختیار مردم قرار دارد. امیرالمؤمنین مردم را به آن ارجاع میداد. امروز ما هم محتاج همان هستیم.

اسلام به ما میگوید باید جامعه‌ی اسلامی یا دستور اسلام اداره و هدایت شود و زندگی کند. اسلام میگوید با دشمنان متعرض بایستی با قدرت برخورد کرد؛ باید مرزبندی روشن و شفاف با آنها به وجود آورد. اسلام میگوید فریب دشمن‌ها را نباید خورد. این، خطر روشن امیرالمؤمنین است؛ امروز هم ما همین خطر روشن را احتیاج داریم.

ولی امر مسلمین

فصل قافله عشق

قافله عشق در سفر تاریخ است و این تفسیری است بر آنچه فرموده اند: کل یوم عاشور و کل ارض کربلا... این سخنی است که پشت شیطان را می لرزاند و یاران حق را به فیضان دائم رحمت او امیدوار می سازد.



حکمت پیاده روی اربعین

سؤال می کنند: آقا! این همه وسایل نقلیه هست، چه فایده دارد شما پیاده راه می افتید می روید؟ این چه کاری است؟ چه زحمتی به خودتان می دهید؟

جوابش این است که این یک نوع ابراز عظمت امام حسین (ع) است. عیناً در روایات داریم ائمه پیاده از مدینه می رفتند مکه. امام سجاد (ع) بیست و پنج سفر شاید با پای پیاده رفت. گاهی مرکب هم همراه خودش می بردند. به دو فایده؛ یک فایده اگر وسط راه ناچار شوند سوار بشوند، دیگر اینکه بگویند از بی مرکبی نیست که ما پیاده می رویم، مرکب هم داریم و پیاده می رویم، این به احترام امام حسین (ع) است.

این یک نوع اظهار عظمت و تجلیل از مقام شامخ اباعبدالله (ع) است. این پیاده رفتن، این دلیل بر این است. و لذا این پیاده روی اربعین خیلی در دنیا صدا می کند؛ و تبلیغ خوبی برای عالم تشیع و عالم اسلام است. یکی از مبلغ های بسیار خوب است.

می دانید که در ایام اربعین، اجتماع در کربلا، از عاشورا بیشتر است، انبوه جمعیت خیلی بیشتر است. آن وقت عدد زیادی پیاده، زن، بچه، یا اینکه خطراتی هم احتمال می دهند تهدیدشان بکند، باز هم عازم این سفر می شوند. این دلیل بر این است که واقعاً عاشق این مکتب هستند، تنها عشق است که آنها را به این سمت و سومی برد، بنابراین این ایراد یک ایراد

بی دلیل و بیهوده ای هست و آثار و برکات را می بینند و در عین حال باز ایراد می کنند، خیلی دلیل بر بی اطلاعی است.

و اما یک خاطره نیز از این سفر برایتان عرض کنم چرا که تا کنون، دوبار توفیق پیاده روی از نجف تا کربلا را از مسیر شط (رودخانه) که حدود ۲۰ کیلومتر طولانی تر از مسیر کنونی نجف کربلاست و حدود ۳ روز به طول می انجامید؛ داشته ایم:

در راه وقتی به یکی از این مضیف ها رسیدیم، صاحب مضیف دعوت و اصرار کرد که مهمان او بشویم و آنجا استراحت کنیم، به او توضیح دادیم که چون امروز کم راه رفته ایم و باید مسافت بیشتری را طی کنیم، فرصت ماندن نداریم، پس از کمی اصرار او و امتناع ما، ناگهان صاحب مضیف که معلوم بود چند وقتی است که مهمان برایش نرسیده و از این بابت خیلی ناراحت است، ناگهان چاقویش را در آورد و تهدید کرد که من مدتی است مهمان برایم نیامده است و شما حتماً باید مهمان ما بشوید! اینقدر مهمانی کردن زائر امام حسین (ع) در نزد اینها اهمیت و ارزش داشت... البته بالاخره بعد از اینکه توضیح بیشتری برایش دادیم و قول دادیم که از طرف او زیارت کنیم، اجازه داد که ما

برویم.

آیت الله مکارم شیرازی



روضه

راوی گوید: چون زنان و اهل بیت و عیال امام حسین علیه السلام از شام محنت فرجام آهنگ سرزمین خود نمودند و به عراق رسیدند، به راهنمای کاروان که ملازم رکاب بود، فرمودند: ما را از راه کربلا ببر. پس چون به جایگاه شهدا و دیار غریبان و قتلگاه شهیدان رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جماعتی از بنی هاشم را دیدند که با جمعی از آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم به زیارت قبر امام حسین علیه السلام آمده اند و در یک زمان آن بی کسان، با جابر و خویشان، در آن رشک جنان، ملاقات نمودند و به اتفاق هم به گریه و زاری و ناله و سوگواری پرداختند، چنانکه زخم دلها را تازه نمودند و آتش دلهای کباب، را به اشک دیده های بی خواب، سیراب کردند و سینه های تنگ را به ناخن و چنگ خراشیدند. در این هنگام زنان اهل آن وادی بر گرد ایشان فراهم آمدند و چند روزی را در ماتم خانه، عزاداری نمودند.

لهوف - سید بن طاووس

تاریخچه پیاده روی اربعین

از هنگامی که نخستین زائر مضجع منور ابا عبدالله الحسین (ع)، جابر بن عبدالله انصاری در روز اربعین از مدینه به سمت کربلا رهسپار شد تا کنون ۱۳۷۴ سال می گذرد. در این سال ها علما و اولیای الهی برای زیارت سیدالشهدا (ع) در روز اربعین اهمیت و جایگاه والا بی قائل بودند و با پای پیاده از نجف اشرف به سوی کربلا رهسپار می شدند، بی شک جابر بن عبدالله، نخستین زائر کربلا معلی در روز اربعین سال ۶۱ هجری است، این سنت حسنه نیز در سال های حضور ائمه معصومین (ع) با وجود حکومت سفاک و خونریز اموی و عباسی انجام شده است.

در برخی از روایات تاریخی بیان شده است که زیارت کربلا با پای پیاده در زمان «شیخ انصاری» (متوفی سال ۱۲۸۱ قمری) رسم بوده است، اما در برهه ای از زمان به ورطه فراموشی سپرده می شود که در نهایت توسط «شیخ میرزا حسین نوری» دوباره احیا می شود. این عالم بزرگوار اولین بار در عید قربان به پیاده روی از نجف تا کربلا اقدام کرد که ۳ روز در راه بود و حدود ۳۰ نفر از دوستان و اطرافیان نیز وی را همراهی می کردند. «محدث نوری» از آن پس تصمیم گرفت، هر سال این کار را تکرار کند، ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری با پای پیاده به زیارت حرم ابا عبدالله حسین (ع) رفت.

نتایج تحقیقات نشان می دهد پیاده روی مراجع و علما تا زمان صدام ادامه داشته است، اما از زمانی که او در سال ۱۳۵۸ (۱۴۰۰ قمری) به ریاست جمهوری عراق رسید تا زمانی که در سال ۱۳۸۱ شمسی (۱۴۲۴ قمری) سقوط کرد، وقفه ای در اجرای مراسم عزاداری با شکوه و پیاده روی های دسته جمعی ایجاد شد، هر چند که برخی اخبار حکایت از پیاده روی مخفی مردم در زمان صدام داشته است که گاهی منجر به شهادت این افراد توسط نیروی های بعث شده، اما مردم عراق با سقوط صدام، بار دیگر عشق و علاقه و صف ناپذیر خود به امام حسین (ع) را طی این ۱۰ سال به جهانیان ثابت کرده اند که در کنار دیگر محبان و شیعیان اهل بیت از کشورهای ایران، لبنان، پاکستان، هند، لبنان، قطر، امارات، کویت، بحرین و... مراسم اربعین حسینی را با شکوه تر از سال قبل اجرا می کنند.



رکورد دار پیاده روی نجف تا کربلا

بیش از ۱۳ قرن از واقعه جانسوز عاشورا می گذرد. کربلا که در نخستین اربعین حسینی شاهد حضور جابر بن عبدالله انصاری بود، بعد از آن نیز عاشقان دیگری را زیارت کرد که با پای پیاده از اقصی نقاط جهان در سالروز اربعین سید و سالار شهیدان سراسیمه همراه با عشق آتشین به مولای خویش رهسپار سرزمین حسینی شدند.

این سنت حسنه از چنان اهمیت والا بی برخوردار است که صادق امت رسول (ص) این چنین از ارزش پیاده روی به سوی حرم مطهر ابا عبدالله الحسین (ع) سخن می گوید: کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) برود، خداوند به هر قدمی که بر می دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد، وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را مکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد است را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولی خدا! گناهانت آمرزیده شد و تراز افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش هستی، به خدا قسم! هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد کرد. (کامل الزیارات ص ۱۳۴)

در این میان علمای بزرگوار بودند که با وجود مشکلات زیاد مسیر کربلا، خطرات راه جان می خریدند و از نجف تا کربلا را گاه با پای برهنه طی می کردند. سید آزادگان حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی از جمله آنهاست، وی در خاطرات خود چنین بیان می کند: «در دوران طلبگی در شهر نجف بیش از ۱۰۰ مرتبه این مسیر را پیاده به عشق زیارت امام حسین (ع) طی کرده ام». عشق و علاقه حجت الاسلام ابوترابی به حدی بود که پس از آزادی با وجود بسته بودن مرز کربلا در سال ۱۳۷۲، برای نخستین بار و در مرز خسروی، مراسم قرائت دعای عرفه را برگزار کرد.

وی با جمعیت اندکی بنایت باز شدن راه کربلا و پیمودن مسیر زیارت، با پای پیاده از تنگه مرصاد تا مرز خسروی را به مدت ۳ روز پیاده طی کرد.





بهترین سفر دنیا



یک نکته مخصوصاً برای جوان‌ها، پیرمردها شاید برای‌شان سخت باشد، ولی آن‌ها را هم تشویق می‌کنم. برنامه‌ای بریزید، دوسه روز قبل از اربعین به نجف بروید. بعد از آن جا پیاده بروید کربلا. بنده سفرهای بسیار زیادی کرده‌ام، ولی هیچ سفری مانند سفر پیاده به کربلا سراغ ندارم. یواش یواش بروید. اگر یک روز و نیم طول می‌کشد، شهادت روز بروید، سه‌روزه بروید. اثر عجیب و غریبی دارد. در میان راه، اعراب به زوار بسیار محبت می‌کنند. هر کس هر طور که بلد است به زوار کمک می‌کند. تنها برای امام حسین علیه‌السلام این کارها می‌کنند. مانند ماساژ دادن، غذا و جادادن و... زمانی که انسان فکر می‌کند می‌بیند، در همین راه بچه‌های امام حسین علیه‌السلام را می‌بیند. حتی اگر انسان میلیاری هم خرج کند، می‌ارزد. همه چیز برای انسان عوض می‌شود. شنیده‌ام که برخی از بزرگان مثل آیت‌الله سید محمود شاه‌رودی اعلی‌الله مقامه الشریف که از مراجع بودند، به تعداد مسیر نجف تا کربلا را پیاده رفته‌اند. خیلی دیدنی است. یکی از برادران عراقی می‌گفت: در بین مارسم است که یک قلک برای امام حسین علیه‌السلام داریم و نصف درآمد خود را در آن می‌ریزیم. تا در روز اربعین امام حسین علیه‌السلام خرج کنیم، تا وقتی که زوار امام حسین علیه‌السلام می‌آیند کمتر اذیت بشوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین آقا تهران‌ی



ما واقعاً به ثواب زیارت کربلا محتاج هستیم

توصیف‌ها و پیشنهادهای خواندنی پناهیان برای زائرین پیاده اربعین

همه ما باید عمیقاً بفهمیم چرا زیارت قبر ابا عبدالله (ع) این قدر ارزش و اهمیت دارد؟

- جدا از جنبه‌های اجتماعی و آثار عظیمی که زیارت کربلای ابا عبدالله (ع) به ویژه در تجمع ایام اربعین، در عالم به جای می‌گذارد، نکته مهمی که زائرین و راهیان کربلای معلی باید مورد توجه قرار دهند، جنبه‌های معنوی این زیارت بابرکت است.
- همه ما باید عمیقاً بفهمیم چرا زیارت قبر ابا عبدالله (ع) این قدر ارزش و اهمیت دارد؟ فهم عمیق این معنائیل به یک شرافت و توفیق بزرگ الهی است، که باید آن را از خدا تمنا کرد و با مطالعه و تحقیق صرف به دست نمی‌آید. ما می‌توانیم احادیثی را در این باره مطالعه کنیم، اما اینکه به فهم عمیق آن برسیم توفیق ویژه‌ای می‌خواهد.

- به عنوان مثال حضرت امام (ره) درباره عظمت عزاداری‌های ابا عبدالله (ع) و دسته‌های عزاداری مطالبی را بیان می‌کنند (صحیفه امام/ ج ۱۱/ صص ۹۸ و ۹۹) که انسان احساس می‌کند خیلی هانمی‌توانند این عظمت را به این وضوح و عمق ببینند و درک کنند. گویی حضرت امام (ره) شهودی دیگر از عظمت عزاداری داشتند که در کلمات نمی‌گنجد. کلمات ایشان سرشار از غیرقابل وصف بودن آثار با عظمت این عزاداری‌هاست. هر قدمی که برای زیارت ابا عبدالله (ع) بر می‌داریم برای ما مغفرت است. ما همیشه به استغفار نیاز داریم و زیارت کربلا خصوصاً با پای پیاده، یک فرصت استثنایی برای مغفرت است.

• امام صادق (ع) به یکی از دوستان خود می‌فرماید: قبر حسین (ع) را زیارت کن و ترک مکن، پرسیدم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمود: کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) برود خداوند به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می‌فرماید و یک درجه مرتبه‌اش را بالا می‌برد. بر اساس روایات مختلف، هر قدمی که برای زیارت ابا عبدالله (ع) برمی‌داریم برای ما مغفرت است و طلب مغفرت هم چیزی نیست که مافقط در برخی لحظات خاص، یا به مقدار محدود به آن نیاز داشته باشیم، بلکه ما همیشه به استغفار نیاز داریم و زیارت کربلا، خصوصاً با پای پیاده یک فرصت استثنایی برای مغفرت است. وقتی رسول خدا (ص) روزی صد مرتبه طلب مغفرت می‌کردند (رسول اکرم (ص) فرمود: هر روز بر روی قلبم غبار می‌نشیند، تا اینکه (برای برطرف کردنش)، روزی صد مرتبه استغفار می‌کنم؛ إِنَّهُ لَيَغَانُ عَلَى قَلْبِي حَتَّى أَسْتَغْفِرَ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ؛ مستدرک الوسائل ۵/ حدیث ۵۹۷۸)، تکلیف ما مشخص است.

• طلب مغفرت چیزی نیست که حدی داشته باشد و بعد از آن دیگر نیازی به استغفار نداشته باشیم. ما هر طلب مغفرت، موانعی بین ما و خدا بر طرف می‌شود و راه‌های می‌شود و نور و شایستگی می‌آید. آدم باید نسبت به طلب مغفرت حریص باشد. مغفرت یک مسأله تمام‌شدنی نیست. هر چقدر هم که پاک شویم باز هم به مغفرت نیاز داریم. چون پاک شدن یعنی خدایی شدن و این انتها و پایان ندارد؛ بلکه یک جریان مستمر است. مؤدّه رسول خدا (ص) به زائرین پیاده حسین (ع)، گناهان گذشته شما بخشیده شد، حالایک زندگی تازه را شروع کنید

• بر اساس روایت فوق، مؤدّه رسول الله (ص) به زائرین پیاده حسین (ع) این است که: «تا امروز تو آنچه (گناه) بوده است بخشیده شد، پس برو عملت را از سر بگیر و زندگی تازه‌ای را آغاز کن.» چه کسی به چنین مؤدّه‌ای بی‌نیاز است؟ سفر کربلا به خصوص اگر با پای پیاده باشد، سفر پاک‌کننده روح از آلودگی هاست/ این سفر را به یک سفر تزکیه‌ای برای خودتان تبدیل کنید

• سفر کربلا به خصوص اگر با پای پیاده باشد، سفر پاک‌کننده روح از آلودگی هاست، لباس عزای ما و لباس سیاهی که برای عزای امام حسین (ع) در ایام اربعین می‌پوشیم این را به نوعی لباس احرام برای خود ببینیم. باید این سفر را سفر پاکی‌های بینیم تا بهره بیشتری از آن ببریم. اثر امور معنوی بر روح انسان مانند اثر داروها (مثل قرص آنتی‌بیوتیک) بر جسم انسان نیست که اگر اثر آنها را دیدن یا ندانیم به هر حال اثر خود را بر بدن بگذارند، در مورد امور معنوی هر چه معرفت و درک بیشتری داشته باشیم اثر بیشتری بر روح ما خواهند داشت.

• بعضی‌ها می‌پرسند: ما که عازم کربلا هستیم چه کار کنیم تا بهره بیشتری ببریم و چه قدماتی باید به لحاظ روحی فراهم کنیم؟ همین احساس نیاز به مغفرت، احساس حضور در محضر ائمه هدی (ع) و مصاحبت با پروردگار عالم، اینها مقدمات فکری و روحی بسیار خوبی هستند. این دیگر هنر شماس است که این سفر را به یک سفر تزکیه‌ای برای خودتان تبدیل کنید.

احساس زیبایی دیگری که زائرین کربلا دارند، احساس شرمندگی نسبت به ابا عبدالله (ع) است. وقتی می‌بینیم که حسین (ع) برای آمزش ما چه هزینه سنگینی پرداخته است، شرمنده می‌شویم.

• غیر از این احساس زیبایی که در طول سفر کربلا خواهید داشت، یک احساس دیگر نیز در این سفر معنوی می‌توانید داشته باشید و آن احساس شرمندگی نسبت به ابا عبدالله (ع) است. اینکه بگوییم: یا ابا عبدالله (ع) شما این همه زجر در راه خدا متحمل شدی و این همه شکنجه‌ای که بچه‌ها یت شدند، در مقابل ما کاری برای تو و در راه خدای تو انجام نداده‌ایم؛ از طرفی ما را به واسطه محبت تو می‌بخشند

برای شرمندگی ما تا ابد بس است. وقتی می‌بینیم که حسین (ع) برای هدایت ما چه هزینه سنگینی پرداخته است، شرمنده می‌شویم و این در حالی است که می‌بینیم ما هیچ کاری برای حسین (ع) نمی‌توانیم انجام دهیم. ما واقعاً به ثواب زیارت کربلا محتاج هستیم. وقتی در روز جزا، از کوچکترین گناهان هم نمی‌گذرند، (وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ زلزله ۸/ و از سسوی دیگر وقتی می‌بینیم هیچ پاک‌کننده‌ای مانند اشک بر ابا عبدالله (ع) و زیارت قبر ابا عبدالله (ع) نیست، واقعاً خودمان را به این زیارت و به این عزاداری محتاج می‌بینیم. انشاءالله این توجه معنوی بالا برود.

آثار معنوی زائران پس از بازگشت به اطرافیان و جامعه هم می‌رسد...

• همین که شما زائرین به کربلا بروید و ببینید تمام آثار معنوی شما به شهر و جامعه هم خواهد رسید. حالا حساب کنید اگر این جمعیت کثیر برای زیارت اربعین به کربلا بروند و باز گردند چه آثار معنوی عظیمی برای اطرافیان و جامعه به دنبال خواهد داشت؟! البته تحلیل این آثار کار ساده‌ای نیست. مگر کسی به این سادگی فهمیده است این سخن امام را که فرمود: «الآن هزار و چهار صد سال است که باین منبرها و باین روضه‌ها و باین مصیبت‌ها و باین سینه‌زنی‌ها ما را حفظ کرده‌اند؛ تا حالا آورده‌اند اسلام را» (صحیفة امام/ ج ۸/ ص ۵۲۶)؟ خداوند در مورد شما می‌فرماید: «وَالَّذِينَ قَبِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ قُلْنَ قُلْ أَعْمَالُهُمْ» (محمد ۴) خداوند کسانی را که در راه خدا به شهادت می‌رسند عملشان را تبه نخواهد نکرد (و اثر ویژه‌ای به اعمال آنها می‌دهد) قطعاً این اثر در مورد ابا عبدالله (ع) در اوج است. ما هم می‌توانیم خودمان را در شعاع اثر خون ابا عبدالله (ع) قرار دهیم و از این اثر ویژه برخوردار شویم. همه کسانی که انشاءالله در ایام اربعین حسینی عازم کربلا هستند، حتماً به این بُعد سفر و به جنبه پاک‌کنندگی آن توجه داشته باشند. یعنی تنها جنبه محبت و رابطه عاشقانه با اهل بیت (ع) را در نظر نگیریم؛ خودمان و گناهانمان و شرمندگی خود را فراموش نکنیم. این خیلی آثار و برکات دارد که ما از نظر معنوی به شدت خودمان را محتاج به این سفر بدانیم، و خودمان را به شدت نیازمند به این مغفرت و غفران الهی بدانیم.



لیک یا حسین

برای اولین بار قرار شد کل مسیر نجف تا کربلا را به اتفاق یک جمع چهل نفره پیاده برویم. به دهنم رسید که برای اینکه توی جمعیت یک نشانه‌ای داشته باشیم و همراهان کاروان بتوانند همدیگر را پیدا کنند، باید یک پرچم متفاوت داشته باشیم. به مسئول هتل سپرده بودم که یک چوب پرچم و نوشته برایمان جور کند.

بعد از نماز صبح، دسته جمعی مجدداً همان دور زیارت و داع امیر المؤمنین (ع) را خواندیم و راه افتادیم. مسئول هتل کاری نکرد و نبود و نگرانی کم کردن همدیگر در این جمعیت باقی بود. تا اول جاده که موکب‌ها بودند، یک ساعتی راه بود و رفقا صبحانه نخورده بودند. به بهانه خرید صبحانه با یکی از بچه‌ها جدا شدیم. بعد از کمی جستجو بالاخره یک پارچه فروشی پیدا کردیم و کمی بعدتر مغازه میله پرچم را هم پیدا کردیم. دو میله ۴ متری خریدیم. مغازه خیاطی بسته بود، اما یک تعمیر کار کفش وسط خیابان بساطش را پهن کرده بود و ماشین دوخت هم داشت. قبول کرد کناره پارچه را بدوزد.

اما مغازه‌های خطاطی همه بسته بودند و در مسیر پیاده روی اربعین بودند. یادم آمد که استاد نجابتی -استاد و مدرس گرافیک در دانشگاه هنر، که لابد خطاطی هم بلد است - همراه جمع ما بود. چندتا مازیک قرمز خریدیم و با صبحانه راه افتادیم. بالاخره بعد از چند ساعت خودمان را به کاروان رساندیم. کمی که راه رفتیم، بچه‌ها در یکی از موکب‌ها برای استراحت و نماز ظهر توقف کردند. استاد نجابتی هم - که یک پارچه

دور سرش بسته بود و دیدنی شده بود - آستین‌ها را برای وضو گرفتن بالا زده بود. استاد کم حرف بود. من هم آشنایی و شناخت قبلی چندانی از استاد و روحیاتش نداشتم. نمی‌دانستم اهل خطاطی هستند و با این وسایل و در این شرایط قبول می‌کنند یا نه. با اینکه پر حرف هستیم، هیچ حرفی نزدیم. پارچه سفیدی که خریده بودم را در یک فضای خالی پهن کردم. بعد یک نگاه به استاد کردم. استاد هم انگار منتظر این بود که یک کاری برای امام حسین (ع) بکنند، نه گذاشت، نه برداشت، گفت: مداد یا خودکار هست؟

بعدها فهمیدم استاد در جبهه به همین شیوه صحرایی خطاطی می‌کرده. مداد و خودکار جور شد. متن نوشته را هم خودشان پیشنهاد کردند: «لیک یا حسین». ادامه داستان - که قسمت قشنگ داستان است، توسط یکی از هم کاروانی‌ها ضبط شد که توی مستند

«با اهل العالم» بخش‌هایی از آن پخش شد. این پرچم بلند که ارتفاع میله‌اش ۴ متر بود، برای همه کاروان خیلی خاطره‌انگیز شد. چه گم شده‌هایی که با این پرچم پیدا شدند و چه دعوای دستانه‌ای که بر سر به دست گرفتنش نشد. بعد از سفر، استاد وعده کرد که نسخه با کیفیت این پرچم را بازطراحی کند تا در کارهای اربعینی و حسینی برای عموم قابل استفاده باشد.



یادداشت‌های یک همسفر جـامانده...

منم سال گذشته توفیق داشتم همسفر کاروان عاشقان پیاده روی اربعین باشم. دیدم بد نیست برخی تجربه‌هایی که برای این سفر، خیلی ضروری می‌دونم با هات در میان بگذارم شاید به دردت خورده. همه احتمالا توصیه‌های زیادی بهت داشته‌اند که مثلاً چی همراه ببری و چقدر بار داشته باشی یا چه کفشی بپوشی و چی بخوری و چی نخوری و باحتی قرص ایبوپروفن برای عضله درد...

اما جنس حرفایی که می‌خوام بگم به جور دیگه است، حرفایی که وقتی از سفر برگشتی بارها اونارو با خودم مرور کردم و خودمو سرزنش کردم که چرا به اوناکم توجهی کردم و شاید خودتم سال دیگه یا حتی بلافاصله بعد از برگشتن از سفر اونارو بارها با خودت زمزمه کنی و افسوس بخوری. زمانی که دیگه به کم دیر شده و پشیمونی فایده‌ای نداره. ما امتحان شدیم، شمام امتحان می‌شی همه امتحان می‌شن مهم اینه که بتونیم تو این امتحان موفق باشیم. اصلا فرض کن می‌خوام نمونه سوالی امتحان پار سال رو برات فاش کنم!

می‌خوام وقتی رسیدی و دیدی حرم مولا امام حسین (ع)، با حرم امامزاده حسین فرق چندانی برات نداره و قابلیت خاشع و محزون نمیشه یا رسیدی و احساس کردی اون برداشت معنوی لازم رو از این سفر نمی‌بری و یا برگشتی و حسرت خوردی، بعدا انگي کسی نبود بهم بگه! به هر حال اگه این مطالبو بخونی و احساس کردی که به دردت نمی‌خوره که هیچ، اما اگه احساس کردی به دردت می‌خوره قول بده نایب الزیاره ما هم باشی و دعا کنی که آقامون مارو هم ببذیرن و توفیق انجام رسالت و مسئولیت شیعه بودنمون از مون سلب نشه.

۱) راستی اصلا می‌دونی مهمترین انگیزه و هدف از این سفر و این پیاده روی چیه؟ واقعا شده بشینی و فکر کنی برای چی به این سفر اومدی؟ این که می‌گم بشینی و فکر کنی، منظورم اینه که اولاً باید آگاهانه باشه و ثانیاً در بایستی یا خودتو بذاری کنار و کاملاً صادقانه به



خودت جواب بدی. چرا اومدی؟ برای ثوابش؟ نکنه حاجتی داری؟ شایدم اومدی خودتو برای یه عمر بیمه کنی؟ برای هدایت و مغفقت اومدی؟ شایدم می‌خوای آخرت و بهشتو بیمه کنی؟ یا نه جواب می‌دی برای عشقم اومدم؟ عشقم حسینه؟...

خب همه اینا خیلی خوبه و همش مستلزم ثواب و پاداش الهیه ولی دقت کردی همه این انگیزه‌ها واسه خودته؟... حاجت من!... ثواب من!... عشق من!... پس کومولا؟ چند درصد انگیزه و هدف مال خود خود خود امام حسینه؟ شاید بپرسی چطور می‌شه طوری هدفگذاری کرد که اصلاً پای «من» در میان نباشه و هر چه هست همه «او» باشه؟ مگه اصلاً امام حسین (ع) به زیارت ما احتیاج داره که برای ایشون بیاییم زیارت؟

جواب این سوال خیلی مفصله و البته خودتم بهتر از من می‌دونی، ولی همینقدر بهت بگم اگه فکر می‌کنی عاشورا فقط یک حادثه و مصیبتی بود که در یک برهه زمانی خاصی اتفاق افتاده و ربطی به زمان حاضر نداره و وظیفه ما فقط عزاداری است و بس، که هیچ! برای خودت بیاز یارت! اما اگه نگاهت به عاشورا به مثابه یک نهضت جاری یعنی یک جریان فکری عقیدتی و انقلابی است که از عاشورای سال ۶۱ شروع شده و تا حالا هم ادامه داره و قراره به ظهور مولا (عج) ختم بشه، قضیه فرق می‌کنه. در این صورت دیگه اتفاقات و وقایع سال ۶۱ رو مختص سال ۶۱ نمی‌دونی و در کل این جریان، جاری و ساری می‌دونی. خودتو در متن عاشورا حاضر و ناظر می‌بینی و معرکه درگیری جریان حسین و ولایت و حق و عدالت، با جریان اموی و ظلم و فساد و کفر، آشکارا در جلوی چشمان توست و در پی این هستی که موضوع خودتو در این تقابل جریانهاروشن کنی. پس نمی‌گی به جایی خوندم که امام حسین (ع) فرمودند: «هل من ناصر ینصرنی» بلکه دیگه می‌گی که گویا همین الان می‌شنوم که امام حسین (ع) می‌فرمایند: «آیا کسی هست که مرا یاری کند؟» اونوقت در وسط این کارزار عاشورایی، تحمل روزمرگی این زندگی پر عافیت برات سخت می‌شه، امامم مرا می‌خواند! چطور می‌تونم سکوت کنم؟ چطور می‌تونم بی تفاوت و تنه‌انظاره گر باشم؟ اونوقت تصمیم می‌گیری که آگاهانه و عاشقانه و خالصانه در برابر فریاد یاری خواهی امام (ع) دست رو بلند کنی و بگی: من! من هستم مولا، تا آخرش هستم!... می‌دونی که یاری امام حسین (ع) در حقیقت یاری مرام ایشونه...

آره دوست من، سفر اربعین سفر بیعت و تعهد، سفر رسالت و بصیرت، سفریه که باید همه اون «من» های قبلی رو قربانی این «من» آخری کنی. هدفت باید یاری امام حسین (ع) و مرام ایشون باشه و بس. چطور؟ چطور یشو بذار به عهده ولایت. تو فقط اعلام حضور کن بقیشو خودشون ردیف می‌کنن، تو فقط بگو که من اومدم بگم که به رسالت شیعه بودنم آگاهم و از این به بعد می‌خوام شیعه بودنم رو بطور دیگه‌ای تعریف کنم: «شیعه بودن یعنی تعهد عمیق به رسالت و نقش تاریخی ام نسبت به ولایت». اینطوری هدف و نیت می‌شه برای خود آقامام حسین (ع). هم آقامون امام حسین (ع) و هم آقامون امام مهدی (عج). چرا که عاشورا و انتظار رابه هم پیوند زده‌ای و خودت رابه موج جریان عاشورا به ظهور سپرده‌ای.

۲) البته حتماً خودت فکر کرده بودی که اینهمه راه می‌ری که وقتی به حرم آقار رسیدی چی بگی. اما واقعا آخرش که چی؟ این همه زحمت و پیاده روی و سختی که وقتی اونجا رسیدی چی بگی؟ بگی آقا! پول؟ شفا؟ خونه؟ دانشگاه؟ همسر؟ بهشت؟! همه اینا خوبه‌ها، بخواه، ولی یادت باشه اولین و مهمترین حرفی که حالا که بهش رسیدی و بعد از اینهمه عزاداری و نوکری، حضوری می‌خوای به مولا بگی به چیز دیگه است. اومدی بهش بگی آقا منم هستم روی منم حساب کنید. قول من مثل قول کوفی هانیست. دیگه تحمل زندگی در دنیایی که انتقام خون تو گرفته نشده باشه برام خیلی سخت و طاقت فرسا شده، اومدی بگی اگر چه کمی دیر ولی بالاخره رسیدم مرا هم مثل حر ببذیر.

اومدی تعهد بدی و رگ گردنت را به ضمانت بگذاری و ببری. بگو می دونم و آگاهم که راهی که امروز در اون قدم گذاشته ام آخرش شیرینه. اونم از نوع «احلی من العسل»! در اینصورت لیخندر ضایت آقا، دور از انتظار نیست. یادت باشه این فرصت رو به خاطر چند تا حاجت و خواسته معمولی از دست ندی!! این حاجت ها رو از خونه تون هم بخوای بهت میدن. حواستو جمع کن. اربعین روزیه که گفتند همه شیعه اونجا جمع شه. حتما خبر مهمیه که همه رو جمع کردن مهمتر از خواسته های شخصی من و تو. زرننگ باش دوست من!!

۳) مراقب باش وقتی رسیدی گرفتار گناه عجب و خود بر تربینی نشی و از خودت خیلی خوشت نیاد. وقتی خسته و کوفته و باگرد سفر و پاهای تاول زده، اون هم با سابقه ای از نوکری اهل بیت، به کر بلار رسیدی و به زیارت امام (ع) رفتی خیال نکنی کاری کردی و حالا کسی شدی و امام (ع) هم حالا بد هکارت شده و حتما باید بهت جواب خاص بده. احساسات این نباشه که: یا ابا عبدالله من اومدم، من! من که به عشق تو سه روز ه دارم پیاده میام زیارتت!... دوست من بدان هر وقت که این احساس بهت دست داد بدان همه چیز رو خراب کردی و اگه توجهی بهت نکردند مقصر خودتی.

۴) نکته بعدی این که، وقتی پای صحبت اصحاب عرفان و معرفت می شینیم به یه مسئله در زیارت امام حسین (ع) تاکید زیادی دارند و اون هم رعایت ادب و تواضع و عدم خنده و شوخی و رفتارهای خلاف ادب محضر کر بلاست و اونو یکی از موانع مهم می دونند. کر بلا سرزمین حزن شیعه است و ادب کر بلار عایت حالت حزن و اندوه است. اینهمه در طول عمر خود لهو و لعب کردیم و رفتارهای شوخ و شنگی داشتیم و خوش بودیم سعی کنیم چند روز از این کار هادوری کنیم. بعدا هم فرصت برای این کار از باده.

۵) بهترین رفیق راه ما مخصوصا در سه روز پیاده روی، استغفار مداوم، ذکر خدا، تفکر در مورد قیام عاشورا و چرایی حضور مادر این سفر و البته نجوایی درونی و عاشقانه با امام حسین (ع) و یاران ایشان و شهدای کر بلاست. اینارو گفتیم که بعدا بگیم.

۶) راستی! می گم نکته یه وقت نیت از این سفر خالص نباشه و خدای نکرده تفاخر و ریا و چشم و هم چشمی و از این مسائل باشه؟ نه! شما که از این مسائل خیلی بری هستید. ولی به هر حال نوع سفر طوریه که خیلی می تونه وسوسه انگیز باشه. پیاده رفتن برای زیارت امام حسین (ع)! اونم در روز اربعین! اونم از نجف تا کر بلا! همه بهمون می گن خوش به حالتون. کلی احساس کیف و افتخار می کنیم! خیلی خطرناکه. حتی اگه نیتمون هم قبل و حین سفر، خالص باشه بعدا از سفر خیلی ممکنه دچار سمعه و عجب بشیم!



۷) همیشه و مخصوصا در طی این سفر خیلی به نماز اول وقت و جماعت اهمیت بدیم. یادمون باشه که به زیارت کسی می ریم که در سخت ترین شرایط و بایدترین تهدیدات هم نماز اول وقت رو رها نکرد.

۸) تواضع در راه رفتن، رعایت ادب نسبت به همه، گذشت در مواقع خاص و مسایل اخلاقی از این قبیل خیلی مهمند مخصوصا هر چقدر که به مقصد نزدیک تر می شویم مهم تر هم می شوند. حواستون باشه گاهی یک رفتار اشتباه می تونه کل سفر ما رو خراب کنه، شیطان هم از این مسئله آگاه و تمام تلاششو در این رابطه انجام می ده.

۹) یکی از دام های جالب شیطان در این سفر بر می گرده به ابراز ارادت هایی که اهالی محلی برای زوار ابا عبدالله الحسین (ع) می کنند و موب های فراوانی که در کل مسیر تقریبا به حالت غیر منقطع برای پذیرایی از شما زائران برپا کرده اند. انواع خدمات و پذیرایی ها و غذاها و نوشیدنی ها و میوه ها و تنقلات بدون هیچ منتی آماده ارایه به شماست.

نکته ای که می خواستیم بگم اینه که گاهی ممکنه گرفتار پر خوری و لذت پر کردن شکم بشیم. علما می گن پر خوری موجب قساوت قلب میشه و حس و حال معنوی رو از شما می گیره و معمولا یکی از توصیه های مهم در زیارتها مخصوصا زیارت کر بلا اینه که تامی تونید کم بخورید. فقط هم بحث پر خوری نیست حتی خلاف ادب زیارت کر بلا هم هست. توصیه می کنم در حداقل نیاز، از این غذاها استفاده کنید و بقیه اش رو فقط از دیدن ابراز ارادت عاشقان مولا لذت ببرید. حتی کمی گرسنگی و تشنگی هم بد نیست. بهتر ینشو که مایه سرخ شده باشه شما بارها خورده اید و بعدا هم فرصت برای خوردن زیاد خواهید داشت، سعی کنید این فرصت محدود و استثنایی و این همه زحمت خودتون رو به خاطر ارضاء هوس شکم از دست ندید.

۱۰) در هنگام طی مسیر و پیاده روی، خیلی به آخر مسیر فکر نکنید و منتظر تموم شدن راه نباشید، این کار، هم شمارو خسته می کنه و هم تواضع و ادب شمارو کم می کنه (البته منظورم اشتیاق رسیدن به مقصود نیست که این ارزشمند، منظورم میل به تمام شدن پیاده روی است). بهترین کار در طی راه، استغفار و ذکر و تفکر و نجواست، مسیر خودش تموم میشه.

۱۱) می گم نکته یه وقت خستگی یا ساختی راه باعث بشه جابجایی و ابراز پشیمونی کنی، حتی به شوخی! اهل بیت هدیه یا مانت قبول نمی کنن! حواست باشه این بر خلاف ادب و موجب می شه خیلی از توفیقات رو تو ای سفر از دست بدی. یا مثلا اگه قراره صورتت آفتاب سوخته بشه و بعدش توی دلت بگی اه... از همون اول کلاه آفتاب گیر بردار یا چفیه ببند به صورتت که بعدا به اه گفتن نیفتی. در مورد بقیه چیزا هم همینطور.

۱۲) همونطور که گفتیم خیلی مهمه که وسط کار جانزنی. لازمه ش هم اینه که فکر همه چی شو کرده باشی و آماده باشی. الحمدلله مسیر نجف - کر بلا به لطف خدا مسیر امنیه و مشکلی نیست. اما سوال اینه: فرض کن اگه حالا یه تروریستی هوس کرده یه ترقه کوچولو بر کونه این به اشتیاقات اضافه می کنه یا به ترست؟ سبب نمیشه تصمیم بگیری از وسط راه برگردی؟ قدم تو این راه گذاشتی فکر همه جاشو کردی؟ اصلا وصیت نامتو نوشتی که توش قید کرده باشی «خدا یا تورا شا کرم که شهادت در راه خودت و اهل بیت را رو زیم نمودی؟» خیلی مهمه که قبالا فکر کرده باشی تا کجاش هستی. تا آخرش یا تانیمه راه؟

۱۳) آخرین نکته ای که می خواستیم بگم اینه که تو این سفر اگه یه وقت نقصی تو پذیرایی و هتل و اتوبوس و... دیدی گذشت کن. سر بسته بگم، مهمه که بدونیم کجاییم. بیشتر از زمین های شهر کر بلا بخشی از معر که جنگ بوده و وجب به وجبش راوی حماسه و حزن و مصیبت و زیبایی و عشق بازی هاست. بدان که این ملک، ملکوت است، بر خاک قدم نگذاشته ای بر افلاک قدم گذاشته ای. (مهدی - م)

اطلاعات عمومی برای پیاده روی

- فاصله نجف تا کربلا چقدر است و چه مدت پیاده خواهیم رفت؟

فاصله ی خروچی شهر نجف تا ابتدای شهر کربلا حدود ۸۰ کیلومتر است. معمولاً این مسافت را در ۳ روز و ۲ شب طی میکنند. یعنی از صبح زود سه روز مانده به اربعین حرکت کرده و شب اربعین به کربلا می رسند.

- آیا حتماً باید کل مسیر را پیاده برویم؟

خیر! هر چند که لحظه ی رسیدن به کربلا به صورت پیاده لحظه ی فوق العاده ای است و تجربه ی طول مسیر باعث می شود خستگی از یاد انسان برود اما اگر زائری به هر دلیل قادر به طی کردن راه به صورت پیاده نباشد می تواند به وسیله خودروهایی که بین راه وجود دارد بقیه مسیر را با ماشین طی کند. این خودروها را از پیش آماده کرده است و معمولاً زائرین را به صورت گروهی تا کربلا می برند.

- آیا در طول مسیر از هم کاروانی ها جدا خواهیم شد؟

بستگی به توافق شما با هم کاروانی هایتان دارد. بعضی از کاروان ها به صورت گروهی حرکت می کنند و تا کربلا با هم می رسند. برخی قرار می گذارند که مثلاً عصر اربعین یا شب اربعین فلان جا حضور داشته باشید.

- چه کنیم که در حرکت های گروهی و دسته ای گم نشویم؟

استفاده از پرچمی که به نوعی نشان دسته ی شما خواهد بود مطمئناً خوب است اما با توجه به اینکه این پرچم باید نسبتاً بلند باشد تا دیده شود دو تا مشکل اساسی دارد: اولاً اینکه کسی که این پرچم را حمل می کند مطمئناً انرژی زیادی از دست خواهد داد و تقریباً این پرچم دست به دست شود. ثانیاً در طول مسیر تعداد پرچم ها خیلی زیاد است و تقریباً پیدا کردن پرچم کار ساده ای نیست. مگر آنکه رنگ و نوع پرچم خیلی متمایز باشد. تمام طول مسیر پیاده روی از خروجی نجف تا ورودی کربلا تیرهای چراغ برقی وجود دارد که شماره گذاری شده اند. از ۱ تا ۱۴۶۰ هر کدام از این تیرها با هم دقیقاً ۵۰ متر فاصله دارند. به نوعی خط نشان هستند که چقدر از مسیر را طی کرده و چه قدر باقی است. معمولاً برای اینکه هم کاروانی ها با هم قرار بگذارند از شماره های این تیرها که سمت چپ یا راست مسیر پیاده روی قرار دارد استفاده می کنند.

- امنیت در طول مسیر چگونه است؟ آیا اینکه ماد و شب در طول مسیر هستیم امن هست؟

امنیت بین نجف تا کربلا خیلی خوب است و در سنوات گذشته در این مسیر انفجار یا خرابکاری اتفاق نیفتاده است هر چند که در مسیر بغداد - کربلا مورد هایی از نقض امنیت وجود داشته است. اما مسیر پیاده روی نجف تا کربلا جزء امن ترین مسیر های منتهی به کربلاست و تقریباً می توان گفت از امنیت شهر نجف و همچنین مسیر آن تا کربلا و شهر کربلا مخصوصاً منطقه ای که اطراف حرمین است خیالتان - راحت باشد

- چه کفشی باید بپوشیم؟

حتماً سعی کنید از کفش راحت استفاده کنید اگر کفش تان ذره ای پای شما را اذیت می کند این اذیت در آن حجم پیاده روی خیلی نمود خواهد داشت و مطمئناً در روز آخر که معمولاً پای انسان در اثر یک عکس العمل طبیعی تاول های کوچکی خواهد زد بیشتر اذیت خواهید شد. ذکر دو نکته اینجا ممکن است مفید باشد: عرب ها از دمپایی برای پیاده روی استفاده می کنند. احتمالاً حرکت با دمپایی به مراتب راحت تر از کفش نامناسب خواهد بود. همچنین معمولاً چند ساعت آخر پیاده روی که نزدیک شهر کربلا خواهید شد به خاطر فشاری که کفش به پا خواهد آورد اکثر مردم پابرهنه راه خواهند رفت زیرا پابرهنه راه رفتن راحت تر از حرکت با کفش نامناسب است.

- ساک هایمان را چه کنیم؟

سعی کنید از کوله پشتی استفاده کنید. راحت ترین نوع بار جهت حمل در این مسافت کوله هایی است که کامل روی دوش قرار می گیرند. در غیر این صورت از ساک های چرخدار که تحمل این مسافت را داشته باشند استفاده کنید زیرا اگر چرخ این ساک ها روی آسفالت مسیر حرکت دچار مشکل شود مطمئناً مجبور به حمل این ساک ها به روش های دیگر خواهید بود که کار را برای پیاده روی دشوار می کند. ممکن است با هماهنگی با دوستانتان کسی راضی شود که ساک ها را با ماشین های عبوری به کربلا ببرد و آنجا منتظر شما باشد! اما سعی کنید تجربه ی پیاده روی را ولو با حمل ساک دستی از دست ندهید. برخی از اعراب از جعبه های میوه استفاده می کنند و یک سر طنابی را در آن حلقه کرده و سر دیگر در دست می گیرند. با کشیدن این جعبه از نجف تا کربلا هم بار خود را در آن قرار می دهند و در بعضی موارد بدجه های خردسال را به وسیله این جعبه های میوه می کشند. البته در کاروان ما بنابر کلیه ساک ها از نجف بوسیله ماشین به محل اسکان در کربلا منتقل شود.

- آیا نیاز به حمل مواد خوراکی داریم؟

خیر! تقریباً می توان گفت همه نوع خوراکی در طول مسیر به صورت رایگان در اختیار است! در خیلی از موارد صاحبان موبک ها (هیئت هایی که بین راه چادر زده اند) به اصرار شما را مجبور می کنند از خوراکی های آنها بردارید.

- در طول مسیر چه نوع لباسی مناسب است؟ آیا گرمای هوا زیاد است؟

با توجه به اینکه هم اکنون اربعین در زمستان قرار دارد گرمای هوا به هیچ وجه اذیت کننده نیست و علاوه بر آن در ساعات شب و همچنین صبح هوا خیلی سرد هم خواهد شد. و بهتر آن است که لباس گرم به اندازه کافی بردارید.



پایه پای حماسه می آیم...

- آیا برای پیاده روی پول همراهان باشد؟
معمولاً به خاطر رایگان بودن خدمات در طول این سه روز هزینه ای نخواهید داشت اما مقدار کمی پول هم ضرر نخواهد داشت بهتر است از پول ملی خود عراق استفاده کنید (دینار عراق)

- محل خواب چگونه است؟ و چه نکاتی را باید برای محل خواب در نظر گرفت؟

برای محل خواب طول روز با توجه به وجود خورشید و گرمای نسبی هوا خیلی نکته ی خاصی وجود ندارد. اما برای خواب پیشنهاد می شود که اولاً قبل از ساعت ۸ محلی را برای خواب از بین موکب های طول مسیر انتخاب کنید ثانیاً با توجه به سرمای شب سعی کنید به جای چادر در موکب هایی که ساختمان دارند و گرمتر هستند اتراق کنید. احتمال اینکه بعد از ساعت ۱۱ شب جای گرم و مناسب گیر بیایید کمی سخت خواهد شد. ذکر چند نکته در اینجا اهمیت دارد اولاً جای خواب مناسب برای خواهران و برادران در طول مسیر وجود دارد ثانیاً کسی بدون جای خواب نخواهد ماند! چون جا و ملزومات مثل پتو و بالش به اندازه کافی هست فقط باید بتوانید موکبی که هنوز کامل پر نشده را پیدا کنید اگر از خود اهالی بخواهید برایتان معرفی می کنند که کجا هنوز برای خواب جادارد.

- در طول شب شرایط پیاده روی چگونه است؟

معمولاً بعد از ساعت ۹ شب مسیر پیاده روی خلوت تر می شود و اکثر موکب داران تا اذان صبح استراحت می کنند اما در این میان کم نیستند موکب دارانی که شب را هم متناسب با سرمای شب خدماتی ارائه می کنند که زائرین شب رو را کمک کند. به عنوان مثال چایی و شیر داغ و حتی هدیه! برای جلوگیری از سرمای شب در طول شب توزیع می شود و عده ای هستند که ترجیح می دهند تا اذان صبح پیاده روی کرده و بعد از طلوع آفتاب بخوابند.

- چه کنیم بیشتر بهره ببریم؟

همانطور که عراقی ها خود را برای پذیرایی از شما از مدت ها قبل آماده می کنند شما هم برای تاثیر گذاری بیشتر روی آنها و بالا بردن سطح علاقه و همچنین فکر آنها کار کنید. به عنوان مثال تجربه ی مادر سنوات گذشته نشان داد بچه هایی که در طول مسیر ایستاده اند و به زائرین نگاه می کنند و گاهی حتی با اصرار به شما خوراکی تعارف می کنند با یک اسباب بازی کوچک یا حتی یک بسته پاستیل چقدر به سر شوق آمده و مطمئناً دراز مدت تاثیر این حرکت در ذهنشان و تصورشان را جع به شیعیان و حتی ایرانیان چقدر مثبت خواهد بود. حتی آماده کردن بسته های فرهنگی به زبان های عربی یا انگلیسی و توزیع آن بین مردمی که پیاده می روند تاثیر گذار است. گاهی یک پوستری یا یک عکس کوچک مذهبی با یک جمله ی عمیق تاثیر شگرفی بر ذهن مخاطب خواهد گذاشت. روی تاثیر گذاری متقابل چه برای موکب داران چه برای سایر زائران از سراسر جهان برنامه ریزی کنید. زیارت امام حسین با خستگی پیاده روی گویی مزه ای دوچندان دارد و اینجا است که پا و دل با هم ارتباط پیدا می کنند! در طول مسیر هنگامی که پاهایمان خسته یا حتی در مواردی جراحی کوچکی پیدا می کند کافی است برای آماده شدن دل. کمی اگر مرغ دل را پرواز دهی به وضوح کاروانی را خواهی دید که از کربلا به سوی شام به اسپری می روند و وقتی نگاهت را به طرفین بر میگردانی و میبینی اینچنین با عزت در حال راه رفتنی و اینچنین از تو پذیرایی می شود مطمئناً با خود می گویی این کجا و آن کجا؟ اینجا است که آدمی می گوید: لایوم کیومک یا ابا عبدالله...



♦ زان پیش تر که عالم فانی شود خراب ...

چرا پیاده؟ بهتر نیست ماشین بگیریم و مثل هر زیارت دیگر با اتوبوس برویم. اصلاً چرا دولت عراق به فکر نیست منوریل راه بیندازد در مسیر کربلا و نجف؟ امنیتش هم بیشتر است. مگر این زیارت اربعین بناسست چه ویژگی های داشته باشد؟ چه امتیاز هایی که زیارت های دیگر ندارد؟

خدمت غریب

وجه اشتراک همه موبک های بین راه یک چیز است: خدمت به زائر امام حسین. این همه آدم از جای جای عراق و حتی کشورهای دیگر می آیند که به زائر امام خدمت کنند. برای ما که در هیأت ها بزرگ شده ایم، این کار غریب نیست. غریب جنس این خدمت هاست و از آن غریب تر نوع تعاملی که این خلق خدا با زائر دارند. می شود این جنس خدمت را تجربه کرد؟ چند ساعت ایستاد در یک موبک و دستی رساند؟

آشنایی زدایی

از من بپرسید می گویم خوب است همه برویم کربلا؛ اما چه خوب است که در این پیاده روی همه همدیگر را گم کنیم. اصلاً قرار بر این باشد هر کس رفیقش را دید نشناسد. این آشنایی زدایی برای این سفر لازم است. بگذارید این پوسته ای که دور خودمان داریم: من، ما، مسجد ما، هیأت ما، مجموعه ما، کانون ما، شهر ما - اگر بگویم کشور ما ناراحت نمی شوید؟ - چند روزی نباشد. شاید اتفاقات خوبی افتاد. شاید حس این جبهه که سال هاست از شدن می زنیم راحت تر پیدا شد:

نردبان این جهان ما و منی است
عاقبت این نردبان افتادنی است
لاجرم هر کس که بالاتر نشست
استخوانش سخت تر خواهد شکست

فصل آشنایی

حالا که آشنایی های قبلی رفت، می شود رفت دنبال یک آشنایی جدید. اصلاً این آدم های رنگ رنگ، علی رغم این که هر کدام زبانی دارند و فرهنگی؛ یک زبان مشترک هم دارند که برای همه اربعینی ها قابل درک است. جدای از زبان مشترک، چه قدر همه آشنایند. این پیر مردان و پیر زنان عرب چه قدر شبیه همین هم محله های ما هستند!

تادیر نشده...

شاید سزا اینکه این تجمع چهل روز بعد عاشورا انجام می شود این است که جنس عزاداری عاشورا با جنس اربعین فرق می کند. حرارت زیارت روز عاشورا با حرارت زیارت اربعین فرق می کند. من می ترسم باز دیر بشود. دیر بشود یعنی اینکه کاری نکنند/ بکنیم که رنگ اربعین هم عوض بشود. از همان جنس خرابکاری هایی که کرده اند و کرده ایم. برای همین فکر می کنم باید اتفاقی بیفتد. یک کسی باید یا علی بگوید و همه را یک بار اربعین ببرد پیاده روی کربلا. همه اهل فرهنگ و کار فرهنگی، اهل سیاست و کار سیاسی. آنجا ممکن است اتفاقات خوبی بیفتد. امتحانش گران نیست.

♦ فصل کربلا

کربلا را تو می ندانی که شهری است در میان شهرها و نامی است در میان نامها؛ نه، کربلا حرم حق است و هیچ کس را جز یاران **امام حسین** علیه السلام راهی به سوی حقیقت نیست. کربلا، آغوشست را بگشاه
حزب الله به سوی تو می آید....



حرف دل

چقدر فکر مشغول می شود وقتی می بینم؛ اعراب بادیه گاهی پانزده روز را پیاده آمده اند و از خاک صحرا خورده اند و خون دل می بینی می آیند با کاغذی در دست که زیارت معروف اربعین **ایعبدالله الحسین (ع)** را در آن با هزار غلط املایی و نگارشی نوشته اند، شروع می کنند با صدای بلند و انگار اعتراض و البته عجز و شوق و مهر و دل؛ شروع می کنند تند و تند خواندن و تمام که می شود می روند با موج همیشه جاری تاضریح، به ضریح که می رسند می بوسند و نمی مانند و می آیند و می روند بین الحرمین و از دور سلامی به **عباس (ع)** وفامی کنند و بعد وارد می شوند و زیارتی مختصر و راهی می شوند به دیارشان!

همه چیز در ساعتی - کم تر - رخ می دهد و راهی می شوند! پانزده روز خاک صحرا و خون دل، ساعتی عرض ارادت و شوق و نیاز و دوباره پانزده روز خاک صحرا و خون دل

و نیروی به قدرت یک سال و آتشی که هر گز خاموش نمی شود.

و تو که عادت داری به بغل گرفتن ضریح امام رضایت و در دودل کردن از کوچک و بزرگ زندگی ات با او ساعت ها، حیران می مانی! آخر این چه آتشی ست که لهیبش دامن این امت را گرفته است، چه دردی ست که درمان ندارد، چه سودایی ست که پایان ندارد.

این حسین کیست که عالم همه دیوانه ی اوست

می مانی از این نمایش عظیم بشری! می مانی از این بزرگ ترین اجتماع انسانی روی کره ی زمین! می مانی از آتشی که بعد از هزار و چهار صد سال هر روز گداخته تر است! می مانی از آن چه دارد در عالم رخ می دهد!

شرمنده می شوی از تجربیات اندک! شرمنده می شوی از دنیای کوچک! شرمنده می شوی از نداریت؛ که دارایی ش پنداشته ای! شرمنده می شوی از این که هستی! هنوز هستی ...

به نام نامی سر

به نام نامی سر، بسمه تعالی سر

بلندمرتبه پیکر، بلندبالا سر

فقط به تربت اعلا، سجده خواهم کرد

که بنده ی تو نخواهد گذاشت، هر چا سر

قسم به معنی لا یمکن الفرار از عشق

که پر شده است جهان، از حسین سر تا سر

نگاه کن به زمین! ما رأیت! لا تن

به آسمان بنگر! ما رأیت! لا سر

زهیر گفت: حسینا! خواه از ما جان

حبیب گفت: حبیب! بگیر از ما سر

خوشا به حال غلامش، به آرزوش رسید

گذاشت آخر سر، روی پای مولا سر

چنان که یک تن دیگر به آرزوش رسید

به روی چادر زهرا گذاشت سقا، سر

تنش به معر که سر گرم فضل و بخشش بود

به هر که هر چه دلش خواست داد، حتی سر

بسوزد آن همه مسجد، بمیرد آن اسلام

که آفتاب در آورد از کلیسا سر

عقیله، غصه و درد و گلایه را به که گفت؟

به چوب، چوبه محمل، نه بازبان، با سر

دلم هوای حرم کرده است می دانی

دلم هوای دو رکعت نماز بالا سر

سید حمید رضابرقی

اربعین؛ امتداد حرکت عاشورا

«فقط یک جمله در باب اربعین عرض کنم؛ آمدن اهل بیت حسین بن علی (ع) به سرزمین کربلا، که اصل این آمدن مورد قبول هست، اما سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست، فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدی بکنند؛ آنچنان که گاهی بر زبان ها جاری می شود. مسأله از این بسیار بالاتر بود. نمی شود کارهای شخصیتی مثل امام سجاد (ع) یا مثل زینب کبری (س) را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد، باید در کارها و تصمیمات شخصیت هایی به این عظمت در جست و جوی رازهای بزرگ تر بود. مسأله آمدن بر سر مزار سیدالشهدا (ع)، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود. باین کار خواستند به پیروان حسین بن علی (ع) و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند تفهیم کنند این حادثه تمام نشد؛ مسأله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسأله ادامه دارد. به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماس است؛ اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را باید به یاد هم بیاورید. تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع! این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمی رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می ماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد (ع) و زینب کبری (س) به کربلا در اربعین به این مقصود بود.»

(خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴، به نقل از کتاب «آفتاب در مضاف»، انتشارات موسسه انقلاب اسلامی - دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، ص ۲۳۶)

جامانندگان

خیلی ساده به نظر می‌رسد اینکه روزی امام (ع) از آدم کمک بخواهد، شخصاً، نامه بفرستد، واسطه بفرستد یا اصلاً خودش بیاید در خانه آدم. همه ما آرزو می‌کنیم آنجا بودیم. احیاناً دو سه تا نفرین هم نثار کسانی می‌کنیم که امام (ع) را تنها گذاشتند. می‌پرسیم چطور توانستند؟! عجب آدم‌های پلید، خیانتکار و بی‌دین و ایمانی بوده‌اند. اما وقتی داس‌تان چندان از همین از خدا بی‌خبرها را می‌خوانی، می‌بینی انگار که بعضی حرف‌ها آشناست. انگار که خودمان هم

معذوریت شرعی

در منزل (قصر بن مقاتل) امام (ع) به عمرو بن قیس و پسرعمویش رسیدند. پرسیدند: آیا برای یاری ما آماده‌اید؟ عمرو بن قیس گفت: ما پیرمرد و عیالواریم. اموال مردم دست ماست، باید آنها را برسانم به صاحبانش. اگر با شما بیایم مال مردم از بین می‌رود.

چرا خشونت

در یکی از منزلگاه‌ها عبدالله بن مطیع عدوی پیش امام (ع) آمد. گفت: با این حرکت تو حرمت اسلام از بین می‌رود. حرمت قریش و حرمت عرب از بین می‌رود. خشونت راه می‌افتد. نرو!

عهد و عیال دارم

مالک ابن ارجبی روز نهم همراه کاروانی از نزدیک کربلا می‌گذشت. رفت پیش امام (ع) تا خبر دهد، اکثریت مردم کوفه علیه اویند. حسین (ع) گفت: چرا مرا یاری نمی‌کنید؟ مالک بن نصر گفت: من مقروض و عیالمندم. و خداحافظی کرد.

شر مرسان

یزید بن مسعود نهشلی از بزرگان بصره بود که امام (ع) برایش نامه نوشتند. آن قدر از عبیدالله می‌ترسید که وقتی فرستاده امام (ع) نامه را برای او آورد، فکر کرد، شاید این حيله عبیدالله است تا طرفداران امام (ع) را شناسایی کند. از ترس نامه را نگرفت. نامه رسان را هم با نامه فرستاد پیش عبیدالله. عبیدالله هم نامه رسان را به دار آویخت.

پولش را می‌دهم

امام (ع) خودشان رفتند سراغ عبیدالله بن حر جعفی. پرسیدند: همراه ما می‌آیی؟ عبیدالله گفت: من آماده مرگ نیستم. ولی اسبم را تقدیم می‌کنم. چنان اسبی است که اگر سوارش شوید به خواسته‌تان می‌رسید. امام (ع) فرمود: ما برای اسب و شمشیر تو نیامده بودیم. فقط از اینجا دور شو که فریاد غریب ما را نشنوی.

پناهت می‌دهم، تفرقه نینداز

فرماندار مکه، عمرو بن سعید اشدق، برای امام (ع) نامه نوشت که من به تو پناه می‌دهم، حرکت نکن، همین جا بمان. موجب تفرقه می‌شوی.

این کارها دنیویست، من به فکر آخرتم

عبدالله بن عمر وقتی از حرکت امام (ع) باخبر شد، خود را به امام (ع) رساند و گفت: این دولت و حکومت مال اینهاست. خدا به پیامبر (ع) اختیار داد تا بین دنیا و آخرت یکی را انتخاب کند و او آخرت را انتخاب کرد. شما هم پاره‌ی تن اوید. به همین خاطر، دنیا به احدى از شما بر نمی‌گردد.

فایده‌ای ندارم اسبم را برمی‌دارم و می‌روم

«هنگامی که دیدم یاران حسین (ع) کشته شدند و نوبت او و خاندانش رسیده و غیر از سویرین عمرو و بشیرین عمرو کسی باقی نمانده گفتم: ای پسر رسول خدا (ع) من گفته بودم که تا وقتی جنگجویی داشته باشی، همراه تو می‌جنگم. حسین (ع) گفت: راست گفتم ولی چگونه خود را نجات خواهی داد؟ قبلاً وقتی دیده بودم، دشمن اسب‌ها را می‌کشد، اسب خود را در یکی از چادرها پنهان کرده بودم. اسب را بیرون آورده و سوار شدم و از میان دشمن دور شدم.»

ضحاک مشرقی، روز نهم به امام (ع) پیوست، ولی با امام (ع) شرط کرد: فقط تا وقتی می‌مانم که مفید باشم، اگر تنها شدمی می‌روم چون فایده‌ای ندارد.

رفتم ز پا خاری کشم

طرمج، یکی از کسانی که بین راه به امام (ع) برخورد و چون به راه آشنا بود، جلوی کاروان به سمت کربلا به راه افتاد. در نیمه‌ی راه به امام (ع) گفت: من باید به خانواده و قبیله‌ام سر بزنم. رفت و بعد از چند روز برگشت. اما خبر کشته شدن امام (ع) و همه‌ی یارانش را به او دادند. آدم یاد این دو بیت می‌افتد:

رفتم ز پا خاری کشم
یک لحظه من غافل شدم

محمل ز چشمم شد نهان
صد ساله را هم دور شد



آداب زیارت

برای تشریف به حرم مطهر معصومین (علیهم السلام) و در حال زیارت قبور مطهر آنان، این کارها مستحب است:

۱. غسل زیارت، که به همین نیت انجام شود و کیفیت آن با سایر غسل هافر قی ندارد.

۲. با طهارت و وضو بودن.

۳. پوشیدن لباس های پاک و تمیز و بهتر است سفید باشد.

۴. عطر زدن و خوشبو کردن خود، بجز برای زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) که این عمل مستحب نیست.

۵. با آرامش و وقار حرکت کردن و گام هارا کوتاه برداشتن.

۶. مشغول بودن به ذکر، به خصوص ذکر «الله اکبر» و «الحمد لله» در حال رفتن به زیارت.

۷. خواندن اذن دخول و اجازه گرفتن برای ورود به حرم.

۸. بوسیدن آستانه و درگاه حرم، ولی سجده کردن جایز نیست مگر آنکه سجده شکر به جهت توفیق این زیارت باشد. از آنجا که امروزه برخی از دشمنان مکتب اهل بیت از این مسأله سوء استفاده کرده و علیه شیعیان تبلیغ می کنند، بهتر است زائران گرامی سجده شکر رانیز روبروی قبر و ضریح انجام ندهند.

۹. وارد شدن به حرم با پای راست.

۱۰. نزدیک قبر رفتن، به طوری که بتواند در کنار ضریح قرار گیرد و خود را به آن بچسباند، در صورتی که مزاحمتی برای زائران نداشته باشد و سبب اختلاط با نامحرم نباشد. یادآوری می شود، هر چند نزدیک رفتن اگر مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد مطلوب است ولی زیارت حضرت صر فاء به دست مالیدن و بوسیدن ضریح نیست. بلکه اگر در حرم در گوشه خلوتی نیز زیارت نامه بخواند به حضرت سلام بدهند از ثواب زیارت بهره مند خواهند بود و این فکر که اگر دست به ضریح نرسانند یا نبوسیدند زیارتشان کامل نیست تصور بی جایی است.

۱۱. ایستادن در حال زیارت، اگر عذری ندارد و بتواند بایستد.

۱۲. تکبیر گفتن پیش از زیارت، وقتی قبر مطهر را می بیند.

۱۳. خواندن زیارت هایی که از معصومین (علیهم السلام) رسیده است مانند زیارت جامعه و امین الله.

۱۴. آهسته زیارت خواندن و پرهیز از صدای بلند.

۱۵. خواندن دور کعت نماز زیارت، پس از زیارت و هدیه آن به صاحب مزار.

۱۶. در زیارت معصومین (علیهم السلام) مستحب است پشت به قبله و رو به قبر زیارت بخواند.

۱۷. خواندن دعا و قرآن و هدیه ثواب آن به صاحب مزار.

۱۸. توبه از گناهان؛ زیرا آن اماکن مقدس محل پذیرش توبه است.

۱۹. پرهیز از سخنان ناشایست و لغو و بیهوده و امور دنیایی در آن اماکن مقدس.

۲۰. بیرون رفتن از حرم (به ویژه اطراف ضریح) پس از زیارت تا جابرای دیگران باشد و از زیارت ملول نشود و شوق زیارت همچنان در دلش زنده بماند.

آداب خاص در زیارت امام حسین (ع)

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام آداب خاصی دارد؛ از جمله:

۱- روزه گرفتن در سه روز قبل از سفر

۲- اجتناب از خوردن غذاهای لذیذ و رنگارنگ و اکتفا به طعام ساده

۳- زیارت با حالت حزن و اندوه و غصه

۴- پرهیز از استعمال عطر و گلاب

۵- زیارت با سر و صورت و لباس آشفته مانند افراد ماتم زده و مصیبت زده.

۶- غسل قبل از زیارت با آب فرات

۷- رفتن به زیارت با پای پیاده.

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای هر قدم زائر، هزار حسنه و محو هزار گناه و هزار درجه تعالی است.» و فرمود: «باحال ذلت مانند بردگان به زیارت امام حسین بروید.»

لازم به توضیح است که جمع بین اخبار غسل از آب فرات و اخبار زیارت به حالت ژولیدگی به این است که وقتی کسی به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می رود بهتر است برای بار اول با همان گرد راه و ژولیدگی و غمزدگی وارد حرم مطهر شود و امام را زیارت کند؛ و سپس برای دفعات بعدی از آب فرات غسل نماید و عطر بزند و لباس پاکیزه بپوشد و به زیارت رود.



♦ بدعت‌های عجیب و غریبی که وهن تشیع‌اند...

سال گذشته تصاویری از مراسم میلیونی اربعین حسینی در کربلای معلی منتشر گردید که نشانگر گسترش یافتن بدعت سینه خیز رفتن تا مرقد مطهر امام حسین (ع) بود. از همین رو به بازخوانی نظر مقام معظم رهبری که در سال ۷۳ و در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویر احمد مطرح شد می‌پردازیم. ایشان در این سخنرانی که بررسی قیام حضرت سیدالشهدا (ع) و آثار آن برای امروز است بر عزاداری سنتی تأکید کرده و می‌فرمایند:

من واقعا می‌ترسم از این که خدای ناکرده، در این دوران که دوران ظهور اسلام، بروز اسلام، تجلی اسلام و تجلی فکر اهل بیت علیهم‌السلام و السلام است، نتوانیم وظیفه‌مان را انجام دهیم. برخی کارهاست که پرداختن به آنها، مردم را به دین نزدیک می‌کند. یکی از آن کارها، همین عزاداری‌های سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین می‌شود این که امام فرمودند «عزاداری سنتی بکنید» به خاطر همین تقرب است. در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سر و سینه زدن و مواکب عزادار و دسته‌های عزاداری به راه انداختن، از اموری است که عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر، پر جوش می‌کند و بسیار خوب است. در مقابل، برخی کارها هم هست که پرداختن به آنها، کسانی را از دین برمی‌گرداند.

معلم له در ادامه سخنان خود به آسیب‌شناسی عزاداری‌ها پرداخته و روحانیون را برای مبارزه با برخی بدعت‌ها که در مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) ایجاد شده و موجب وهن شیعه گردیده نظیر بدعت «قمه زنی» و «سینه خیز رفتن به سمت مرقد ائمه» فرا می‌خوانند و در ادامه می‌گویند:

«اخیرا یک بدعت عجیب و غریب و نامأنوس دیگر هم در باب زیارت درست کرده‌اند! بدین ترتیب که وقتی می‌خواهند قبور مطهر ائمه (ع) را زیارت کنند، از در صحن که وارد می‌شوند، روی زمین می‌خوابند و سینه خیز خود را به حرم می‌رسانند! شما می‌دانید که قبر مطهر پیغمبر (ص) و قبور مطهر امام حسین، امام صادق، موسی بن جعفر، امام رضا و بقیه ائمه علیهم‌السلام را همه مردم، ایضا علما و فقهای بزرگ، در مدینه و عراق و ایران، زیارت می‌کردند. آیا هرگز شنیده‌اید که یک نفر از ائمه علیهم‌السلام یا علما، وقتی می‌خواستند زیارت کنند، خود را از در صحن، به‌طور سینه خیز به حرم برسانند؟!»



اگر این کار، مستحسن و مستحب بود و مقبول و خوب می‌نمود، بزرگان ما به انجامش مبادرت می‌کردند، اما نکردند. حتی نقل شد که مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی رضوان الله تعالی علیه، آن عالم بزرگ و مجتهد قوی و عمیق و روشنفکر، عتبه‌بوسی را با این که شاید مستحب باشد، منع می‌کرد. احتمالا استحباب بوسیدن عتبه، در روایت وارد شده است. در کتب دعا که هست، به ذهن این است که برای عتبه بوسی، روایت هم وجود دارد. باین که این کار مستحب است، ایشان می‌گفتند «انجامش ندهید، تا مبادا دشمنان خیال کنند سجده می‌کنیم؛ و علیه شیعه، تشیعی درست نکنند»

اما امروز، وقتی عده‌ای وارد صحن مطهر علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌شوند، خود را به زمین می‌اندازند و دو پست متر راه را به‌طور سینه خیز می‌پیمایند تا خود را به حرم برسانند! آیا این کار درستی است؟ نه! این کار، غلط است. اصلا اهانت به دین و زیارت است. چه کسی چنین بدعت‌هایی را بین مردم رواج می‌دهد؟ نکنند این هم کار دشمن باشد؟! اینها را به مردم بگوید و ذهنها را روشن کنید.

دین، منطقی است. اسلام، منطقی است و منطقی‌ترین بخش اسلام، تفسیری است که شیعه از اسلام دارد؛ تفسیری قوی متکلمین شیعه، هر یک در زمان خود، مثل خورشید تابناکی می‌درخشیدند و کسی نمی‌توانست به آنها بگوید «شما منطقتان ضعیف است». این متکلمین، چه از زمان ائمه علیهم‌السلام مثل «مؤمن طاق» و «هشام بن حکم» چه بعد از ائمه، مثل «بنی نوبخت» و «شیخ مفید» - چه در زمانهای بعد مثل مرحوم «علامه حلی» - فراوان بوده‌اند. ما اهل منطق و استدلالیم. شما ببینید درباره مباحث مربوط به شیعه، چه کتب استدلالی قوی‌ای نوشته شده است! کتاب‌های مرحوم «شرف الدین» و نیز «الغدیر» مرحوم «علامه امینی» در زمان ما، سر تا پا استدلال، بتون ارمه و مستحکم است. تشیع این است یا مطالب و موضوعاتی که نه فقط استدلال ندارد، بلکه «اشبه الشی بالخرافه» است؟! چرا اینها را وارد می‌کنند؟! این خطر بزرگی است که در عالم دین و معارف دینی، مرزداران عقیده باید متوجهش باشند.»

♦ عزاداری برای امام حسین (ع) تا چه اندازه مجاز است؟؟؟

با توجه به حکمت عزاداری بر اهل بیت - به خصوص امام حسین (ع) حد عزاداری را شرع و عقلا تعیین می‌کنند. اگر عزاداری در شیوه‌هایی اجرا شود که شور را بر شعور غالب سازد و به نوعی موجب انحراف از فلسفه عزاداری گردد؛ خارج از حدود عزاداری مشروع، معقول، موجه و مقبول است. اگر قالب‌های عزاداری به گونه‌ای باشد که عقلا جامعه، آن را تقبیح کرده، آن را موجب وهن مذهب و آموزه‌های عاشورا می‌دانند، قطعاً حد غیر مجاز عزاداری خواهد بود. شکل و صورت عزاداری باید به گونه‌ای باشد که بتواند هسته و محتوای اصلی پیام عاشورا را به مردم ابلاغ کند و باور انسان‌ها را نسبت به آن تقویت نماید، ولی اگر این ظاهر به صورتی درآید که نه تنها باطن و مغز را نشان ندهد، بلکه باعث گردد اصل مساله و موضوع خدشه‌دار شود، شکل و صورت مناسبی نخواهد بود و این لباس بر قاضی این تن رعنا، راست نخواهد آمد.

به عنوان مثال قمه زنی - که یک گونه خاص عزاداری است نه تنها شعارها و گفتارهای اصلی عاشورا را به درستی ابلاغ نمی‌کند؛ بلکه چنانچه مقام معظم رهبری فرمودند، موجب وهن قضیه کربلامی گردد و لذا غیر مجاز است.





پرچمدار بصیرت و ولایت مداری

شناخت روشن و یقینی از دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، راه، دوست و دشمن، حق و باطل، «بصیرت» نام دارد که از صفات شایسته و ستوده‌ای است که یک مسلمان در زندگی فردی و اجتماعی خود باید از آن برخوردار باشد. در مبارزات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی موضع‌گیری‌ها، جایگاه بصیرت روشن‌تر می‌شود و بدون آن، حتی مبارزه و جنگ هم کور کورانه و گاهی در مسیر باطل قرار می‌گیرد. انتخاب درست نیز بستگی به بینش صحیح و بصیرت انسان دارد.

قرآن کریم به این موضوع به عنوان ویزگی یک رهبر و داعی به خیر و هدایت اشاره می‌کند، آن جاکه می‌فرماید: «قل هذه سبيلي ادعوا الي ... علي بصيرة انا و من اتبعني» (یوسف ۱۰۸) بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

یکی از شخصیت‌های نورانی جهان بشریت که چنین ویژگی ارزشمندی داشت، حضرت عباس بن علی (ع) بود. زندگانی حضرت ابوالفضل (ع) دایره‌المعارفی است که چگونه زیستن و آگاهانه رفتن را به ما می‌آموزد و فرصت دستیابی به مقام آدمیت را هموار می‌سازد. امام صادق (ع) درباره ایشان می‌فرماید: «كان عمنا العباس بن علي نافذ البصيرة صلب الايمان جاهد مع ابي عبد... و ابلي بلاء حسنا و...» (اعيان الشيعه، ج ۷، ص ۴۲۰) عموی ما عباس بن علی (ع) دارای بصیرت دینی و استواری در باور بود. در راه خداوند در رکاب ابي عبد... جهاد کرد و نیکو آزمایش داد و به شهادت رسید. در زیارت مخصوص حضرت عباس (ع) هم به همین نکته اشاره می‌شود که: «اشهد انک مضیت علی بصيرة من امرک مقتدیا بالصالحین و متبعاً للنبیین (مفاتیح الجنان)» شهادت می‌دهم عمر با برکت خود را در بصیرت گذراندی، به صالحان اقتدا و از جمیع انبیا پیروی کردی.

نمونه‌هایی از بصیرت حضرت عباس (ع)

در روزهای کودکی عباس، پدر گران قدرش چون آینه معرفت، ایمان، دانایی و کمال در مقابل او قرار داشت و گفتار الهی و رفتار آسمانی اش بر وی اثر می‌گذاشت. اواز دانش و بینش امام علی (ع) بهره می‌برد. حضرت درباره تکامل و پویایی فرزندش فرمود: «همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر، که از مادرش آب و غذایی گیرد، از من معارف را فرا گرفت».

نقل شده است در آغازین روزهایی که الفاظ بر زبان وی جاری شد، امام (ع) به فرزندش فرمود: بگو یک. عباس گفت: یک. حضرت ادامه داد: بگو دو. عباس (ع) خودداری کرد و گفت: شرم می‌کنم باز بانی که خدا را به یگانگی خوانده‌ام، دو بگویم (مستدرک وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱۵)

اوج بصیرت ابوالفضل العباس در حماسه عاشورا بود و باید دانست تمامی حماسه آفرینان عاشورا، بی هدف و کور کورانه به کربلا نیامده بودند. آنان اهل بصیرت بودند، هم نسبت به درستی و حقانیت راه و رهبرشان و هم به این که وظیفه‌شان جهاد و یاری امام بود. این امر در کلام و شعار و رجز امام و یاران شهیدش مشهود است. حتی آگاهی امام حسین (ع) از فرجام شهادت در این سفر و آگاهانیدن یاران و همراهان نسبت به پایان این قیام، نوعی داشتن بصیرت و دادن بصیرت است، تا انتخاب افراد، آگاهانه باشد.

ایشان آن چنان در حضور امام حسین علیه السلام مودب بود که وقتی شمار اسم ایشان را برای گرفتن امان نامه فریاد می‌زد، به او فرمود: جوابش را بده، هر چند فاسق است! ابوالفضل العباس می‌آید، می‌بیند شمر بن ذی الجوشن است، روی یک رابطه خویشاوندی دور که از طرف مادر با عباس دارد و هر دوازده یک قبيله اند، خواست به خیال خود، خدمتی کرده باشد؛ تا حرف خودش را گفت، عباس پر خاش مر دانه‌ای به او کرد و فرمود: «خدا تو را و آن کسی که این نامه را به دست تو داده است، لعنت کند. تو مرا چه شناخته‌ای و درباره من چه فکر کرده‌ای؟ تو خیال کرده‌ای من آدمی هستم که برای حفظ جان خودم، امامم، برادرم حسین بن علی علیه السلام را این جا بگذارم و بیایم دنبال تو؟ آن دامنی که ما، در آن تربیت شده ایم و آن سینه‌ای که از آن شیر خورده ایم، این طور ما را تربیت نکرده است» (موسوعة کلمات الحسین (ع) ص ۲۹۸)

و در روز عاشورا وقتی به سوی دشمن هجوم می‌برد، رجز می‌خواند: «من از مرگ، آن هنگام که بانگ بر می‌آورد بیمی ندارم، تا این که پیکرم در میان دلیر مردان به خاک افتد. جانم فدای جان پاک پیامبر (ص) باد! منم عباس که کارم آب آوری است و از دشمنان در روز رویاری نمی‌هراسم» (ینابيع المودة، ج ۲، ص ۳۴۱)

از آن جایی که حضرت عباس (ع) سمت علم‌داری لشکر امام حسین (ع) را بر عهده داشت، تا آخرین لحظه در کنار امام (ع) بود و تا آخرین لحظه عمرش با تمام توان از او دفاع کرد. در این باره می‌نویسند: وقتی علمی را که ابوالفضل (ع) در کربلا در دست داشت، به دربار یزید آوردند، یزید دید آن پرچم جای سالمی ندارد، پرسید: چه کسی آن را حمل می‌کرده است؟ جواب دادند: عباس فرزند علی (ع). یزید گفت: «هكذا يكون وفاء الاخ لاخيه؛ باید وفای برادر به برادر این گونه باشد» (سوی نامه‌ال محمد، ص ۳۰۱)

اما اوج تجلی بصیرت و ایثار و فداکاری او زمانی ظاهر می‌شود، که آب آوری تشنه، بآب‌های خشکیده از سه روز بی‌آبی، در امواج آب قرار گیرد و در نهایت تشنگی، به یاد تشنگی برادر و مولایش، آب نمی‌آشامد و می‌گوید: «ای نفس پس از حسین (ع) خوار باشی و پس از او هرگز زنده نمانی! این حسین (ع) است که دل از زندگانی شسته است اما تو آب سرد و گوارا می‌نوشی؟ به خدا قسم که این شیوه دین من نیست» (ینابيع المودة ج ۲، ص ۳۴۱) و همین بصیرت بود که وی را شیفته خداوند و مطیع ذات حق کرده بود و به همین دلیل یکی از بهترین القابی که امام صادق (ع) به او داد، «عبد صالح» است که هم مقام بندگی و عبودیت را می‌رساند و هم او را در ردیف صالحان قرار می‌دهد. او خود را تقدیم کرد و وفاداری اش را در اشعار حماسی و رجز خوانی هایش باز گفت چنان که فرمود:

و... ان قطعتمو ایمیینی انی احامی ابدان دینی و عن امام...

هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله...

حرم امام حسین (علیه السلام):

حرم امام حسین (علیه السلام)، که به همراه حرم ابوالفضل العباس (علیه السلام) و فضا‌های پیرامون این دو جایگاه، هسته مرکزی شهر را تشکیل می دهند. حرم مطهر بیش از دو متر از سطح شهر پایین تر است؛ از این رو تعداد زیادی پله زائران را از دروازه‌های درون صحن هدایت می کند. ساختمان کنونی حرم از ساخته‌های دوره صفوی و عثمانی و قاجار است. حرم مطهر از گنبدی بزرگ و مطلقاً تشکیل شده که بر روی گنبد خانه‌ای وسیع و چندین رواق و یک مسجد بزرگ و صحنی فراخ است که تمامی این مجموعه را در بر می گیرد. گنبد طلا‌ز ساخته‌های دوران صفویه است و طلاکاری آن به دستور آغامحمدخان قاجار انجام گرفته است. در زیر گنبد، ضریح نقره‌ای و بزرگ و چند ضلعی قرار دارد که قسمت عمده فضای گنبدخانه را اشغال کرده و درون آن قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) و دو فرزندش علی اصغر و علی اکبر جای دارد. در سمت شرق ضریح مطهر حضرت، فضایی است که در جنوب آن پنجره‌ای نقره‌ای قرار دارد. اینجا آرامگاه قسمت اعظم شهیدان واقعه کربلا است که همگی آنان پیرامون آن پنجره و فضا‌های اطراف پراکنده و مدفون هستند.

قتلگاه:

جایگاهی است در نزدیکی آرامگاه حبیب بن مظاهر اسدی که بنابر گفته روایات، امام حسین (علیه السلام) در آنجا به شهادت رسید و بعدها به جایگاه کنونی منتقل شد و دفن گردیده‌اند.

تلّ زینبیه:

در فاصله ۲۰ متری از سمت غرب صحن مطهر، تپه‌ای به ارتفاع ۵ متر وجود دارد که امروزه بر روی آن اتفاقی ساخته شده است. این تپه به نام «تلّ زینبیه» یا تپه حضرت زینب (علیها السلام) مشهور است و بنا به نقل مؤرخان، تپه‌ای بوده است که در روز عاشورا حضرت زینب بر روی آن می رفته و از سیر وقایع جنگ آگاهی می یافته‌اند.

حرم ابوالفضل العباس (علیه السلام):

این حرم در فاصله ۳۵۰ متری شمال شرقی حرم امام حسین (علیه السلام) قرار گرفته و دارای قبه و بارگاه شکوهمندی است که جسد پاک این سردار رشید و یار وفادار امام حسین (علیه السلام) را در بر گرفته است. ساختمان دارای گنبدی طلا‌یی است که بر روی گنبد خانه‌ای کوچکتر از حرم امام حسین (علیه السلام) قرار دارد. گرداگرد قبر مطهر را چهار رواق و صحن فراخ و وسیعی به همراه ایوان زیبا در بر گرفته است. ضریح زیبایی آن حضرت به دستور مرحوم آیه الله العظمی حکیم در سال ۱۹۶۵ میلادی در اصفهان ساخته شد.

خیمه گاه:

در جنوب صحن مطهر امام حسین (علیه السلام) و در فاصله ۲۵۰ متری واقع است. (بنا به نقل مؤرخان، محلّ برافراشته شدن خیمه‌ها و چادرهای سید الشهدا (علیه السلام) و یاران او بوده است). امروزه جایگاه خیمه‌ها را با ساختمان سازی به تصویر کشیده‌اند.

فصل راهیان کربلا

راهیان کربلا را بنگر که چگونه بسم مقتضای انتظار عمل کرده‌اند و به جبهه‌ها شتافته‌اند. آری، این مقتضای انتظار است. اینان آنچنان مشتاقانه به جبهه‌ها می پیوندند که تو گویی هنوز کاروان سال ۶۱ هجری قمری به بیابان پردرد و بلائی کربلا نرسیده است...



قزوین و صبغه فرهنگی آن:

اگر بنای شهر قزوین را چنانچه برخی مورخان قائلند دوست، سیصد سال قبل از ظهور اسلام بدانیم، پیشینه فعالیت فرهنگی را حداقل می توانیم از دوره ورود اسلام به این شهر دنبال کنیم. هنگامی که این شهر در ابتدای ظهور اسلام از مرزها و ثغور اسلامی محسوب شده و مورد توجه خلفای مسلمین بوده است. بنای مساجد بزرگ و جامع و برپایی حوزه های علمیه دینی و امام زادگان متعدد - که مورد تعظیم مردم اند - در این شهر، گویای بخشی از این فعالیت ها است. عالمان بزرگ و هنرمندان شهیر در زمینه های مختلف در این شهر سر برآورده و بزرگانی که تنها نام بردن از آن ها مثنوی هفتادمن کاغذ می شود از محضر این بزرگان استفاده جسته اند.

باروی کار آمدن سلسله صفوی، قزوین برای مدتی پایتخت می شود. از این رو و با عنایت به اهتمام حکومت به توسعه تشیع، این شهر به یکی از پایگاه های اصلی تشیع بدل می شود. مکاتب بزرگ فکری و تعارضات اصولیون و اخباری ها و بعدتر مکتب تفکیک و دیگر مکاتبی که علما قزوینی همواره از طلایه داران آن بوده اند، نشان از پویایی فرهنگی این سامان است. در دوره قاجاریه، هنگامی که فرقه های ضالّه بابیت و بهائیت ظهور می کنند، این شهر از جمله عرصه های مبارزه با این فرقه ها می شود و در همین مبارزات عالم و مرجع بزرگ ملا محمد تقی برغانی هدف ترور بهائی ها قرار می گیرد و با شهادت خود در محراب لقب شهید ثالث می گیرد. در دوره مشروطه نیز باز قزوین صحنه حضور مشروطه خواهان و مشروطه مشروعه خواهان است و از جمله شهرهای مؤثر در پیروزی مشروطه.

با شروع نهضت امام خمینی (ره)، مردم شهر با پشتیبانی علمای بزرگ که خود «هیئت علمیه» تشکیل دادند وارد گود مبارزه با رژیم شاه می شوند و شهدایی را نیز تقدیم انقلاب می کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی در صحنه های مختلف شاهد حضور حماسی مردم در حمایت از انقلاب و نظام اسلامی بوده ایم. شهیدان ترورهای ابتدای انقلاب مانند شهید رجایی و شهید چگینی نماینده پافشاری بزرگان این شهر بر آرمان های انقلاب است. در دفاع مقدس، حجت الاسلام ابوترابی (سید آزادگان)، شهید بابایی، شهید لشگری، شهید حسن پور و سه هزار شهید این استان برگ دیگری از دفتر افتخارات این شهر را به نام خود ثبت کردند.



اکنون و در صف پیکاری که در عرصه فرهنگ در جریان است، مجموعه های زیادی عهده دار مبارزه فرهنگی هستند. بخشی از این مجموعه ها و ظرفیت ها عبارتند از:

حوزه های علمیه: از دیرباز حوزه های متعددی در این شهر وجود داشته که متأسفانه برخی به دلایل گوناگون امروز دایر نیست؛ اما حوزه علمیه امام صادق (ع)، التفاتیه، مولاوردیخان و شیخ الاسلام و دو حوزه خواهران از دوره مقدمات تدریس خارج فقه را تدریس کرده و فعالاند. دانشگاه ها: وجود دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) و به تبع آن حضور حداقل یک ساله دانشجویان غیر ایرانی برای گذراندن دوره آموزش زبان فارسی در آن، این دانشگاه را به عنوان یکی از مراکز فعال فرهنگی مطرح کرده است. بسیج دانشجویی و تشکل های جامعه اسلامی، انجمن اسلامی، کانون های فرهنگی دانشجویی و دفتر نمایندگی نهاد رهبری از جمله دیگر مراکز فعال دانشگاهی در سطح استان است.

برخی مراکز فعال دیگر فرهنگی غیر دولتی عبارتند از: اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری، موزه نگارخانه هنر پایداری (در حوزه پایداری) و بسیاری از هیئات مذهبی و کانون های فرهنگی هنری مساجد که به دلیل کثرت از اشاره به نام آن ها خودداری می کنیم، از جمله مجموعه های فعال و جریان ساز در شهر هستند.

لزوم کار جمعی در عرصه فرهنگ

وقتی که دشمنی به ما حمله می کند، طبعاً باید از خود دفاع کنیم. "معمولاً" هم همین کار را می کنیم. به این دلیل می گویم "معمولاً" که گاهی دیده می شود که با این که دشمن به ما حمله کرده، و به همه ی ما نیز حمله کرده، مانده تنها جمع خود، بلکه از خود خودمان هم دفاع نمی کنیم. اگر دشمن یک کشور به آن کشور حمله کند، "معمولاً" نیروهای نظامی آن کشور به سرعت بسیج شده و به مقابله با دشمن می پردازند. به این دلیل می گویم "معمولاً" که گاهی دیده می شود که با این که دشمن به یک کشور حمله کرده، نیروهای نظامی آن کشور نه تنها از همه ی کشور دفاع نمی کنند، بلکه از حوزه ی استحقاقی خود نیز دفاع نمی کنند.

مثلاً ما و دشمن و جنگ فرهنگی مان هم، مانند دو مثال بالا است. در واقع بیشتر ما همان استثناهای مثال های بالا هستیم. همان هایی که نه تنها از همه ی جبهه ی فرهنگی انقلاب دفاع نمی کنیم، بلکه از شهر خود نیز - که حوزه ی استحقاقی خودمان هم هست - دفاع نمی کنیم. همه ی آن هایی که جنگی را تجربه کرده اند، و یا حتی در فیلم ها دیده اند، به این امر واقفند که برای از بین بردن دشمن متجاوز، نیروهای جنگی باید بیشترین هماهنگی را با هم داشته باشند. حال چه اتفاقی افتاده که در این نبرد عظیم فرهنگی، هر یگانی از یگان های لشکر انقلاب، به یک جهت حمله می کند و در یک منطقه عمل می کند، الله اعلم... همین قدر بدان که امامت به دنبال یار است، نه بار. مباد بعد ها که حقایق روشن شود، ببینی که تو و یگانت به سوی لشکر خودی تیر می انداختید...

البته ناگفته نماند که در استانمان قزوین، تاکنون چندین رزمایش فرهنگی با حضور اجتماع مجموعه های فعال برگزار شده است و هر بار نیز شاهد این ظرفیت های عظیم بوده ایم. یقیناً دست خداوند با جماعتی با غیرت است همراه با غرور مؤمنانه و اخلاص های برآمده از شور و شعور انقلابی، که الحق کارستان می کند و روزهای پر جنب و جوش دشمنان را به شب های تاریکی و عزلت تبدیل می کند. اما هنوز تارسیدن به سر منزل مقصود، فاصله زیادی در پیش است. دیگر وقت تماشا کردن و نشستن نیست. یاران انقلابی بشتابند و ملحق شوند به این لشکر عظیم و باشکوه. هر کس که پیمان ولاء دارد بپاید...



شب وداع

شب وداع برنامه فاختری که دو سالی است به پیشنهاد مجموعه هیئات و با مشارکت ۳۴ مجموعه فرهنگی فعال استان برگزار می شود و هفت هزار نفر از مردم شهر قزوین، وداع باماه خدا را در فضای اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری تجربه می کنند. حجت الاسلام سید مهدی خضری، حاج حسین یکتا و حاج مهدی سلحشور به عنوان سخنران، راوی و مداح این برنامه در کنار فضای مناجات، حال و هوای جبهه ها را نیز به آسمان اردوگاه سوق دادند. نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی، ایستگاه های صلواتی و مهد کودک حسینی از حاشیه های این برنامه بود.

آشنایی با اردوگاه

اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری در تیرماه سال ۱۳۹۱ در منطقه باراجین قزوین به بهره برداری رسید. این اردوگاه با مساحت تقریبی ۶۰۰۰ مترمربع فضای خشکی و بیش از ۴۰۰۰ مترمربع فضای آبی، در بخش شمالی مجموعه‌ی فرهنگی ورزشی طلایه قرار گرفته است. اردوهای برگزار شده در این اردوگاه، در قالب دوره‌های یک تاسه روزه، ویژه‌ی دانشجویان و دانشجویان، طلاب و دانش‌آموزان و معلمان و مدیران با پذیرش گروه‌های ۵۰ الی ۷۵ نفره اجرا می‌شود. تاکنون حدود ۲۵۰۰ نفر از اعضای فعالان فرهنگی و دانشجویی در حوزه استانی و کشوری از برنامه‌های آن بهره‌مند شده‌اند.



اردوگاه جهادی شهدای علم و فناوری

www.ordooghah.org

چرا اردوگاه ساخته شد؟

برای دوره جوانی صفت‌های زیادی ذکر می‌کنند؛ اما طراوت و نشاط اجزای جدانشدنی این دوره‌اند. اجزایی که نباید هنگام برنامه‌ریزی فرهنگی برای این نسل نادیده گرفته شوند. این نشاط اگر در مسیر خیر و جهاد به کار گرفته شود؛ می‌شود همان فرموده پیامبر که تفریح و گشت و گذار جوانان امت من در جهاد فی سبیل الله است. مبنای اردوگاه جهادی تلفیقی از یک برنامه سراسر شور و نشاط در قالب فعالیت‌های ورزشی و رزمی با کلاس‌ها و برنامه‌های فرهنگی است. اعتقاد ما این است که این تلفیق نه تنها ضرری به برنامه وارد نمی‌کند بلکه باعث هم‌افزایی نیز می‌شود.



تنه‌های علم و فناوری

نام اردوگاه را به شهدای علم و فناوری مزین کردیم و گفتیم شاید با این نام گذاری تا حدی به دغدغه حضرت آقامینی بر رفع محجوریت این عزیزان گامی برداشته باشیم. این انسان‌ها ممکن است خیلی هم در چشم نباشند، اما آدم‌هایی هستند که فهمیدند سفره جهاد در فضای علم هم مرد میدان می‌خواهد. خون می‌خواهد. بی‌ادعا آمده‌اند. بعضی در همین راه شهید علم می‌شوند. تهرانی مقدم، احمدی‌روشن، شهریار و علی محمدی و آشتیانی از این قبیله‌اند.

برنامه‌های آموزشی

سعی شده مباحثی که در این کلاس‌ها ارائه می‌شود، مسائلی با اولویت بالا و مورد نیاز روز جوانان و دانشجویان باشد. برخی مباحث طرح شده در دوره‌های مختلف اردوگاه عبارتند از:

کلاسها:

- اخلاق
- سبک زندگی آمریکایی
- زندگی جهادی
- هیئت داری
- آشنایی با سیرهای مطالعاتی
- آشنایی با کرسی‌های آزاداندیشی
- سخنوری و فن بیان
- روش مطالعه و یادگیری و...

(ب) حلقه‌ها با موضوعات:

- ازدواج
- شغل
- تحصیل



برنامه‌های ورزشی

بخش اعظمی از شور و نشاط اردوگاه، از برنامه‌های ورزشی و رزمی و تفریحی ایجاد می‌شود. این برنامه‌ها مشتمل بر ورزش‌های آبی و خاکی است که هر کدام با هدف خاصی در برنامه گنجانده شده و آمادگی رزمی و روحی بالایی را برای مخاطبان به ارمغان می‌آورد.

۱. برنامه ورزش‌های آبی:

- کانو سواری
- غواصی
- شنا

۲. برنامه ورزش‌های خاکی:

- پرس از قایق موتوری
- آشنایی با نقشه خوانی و قطب‌نما
- موتور چهار چرخ
- تیراندازی با کمان
- تیراندازی با تفنگ بادی
- رزم شبانه
- راپل
- سرسره
- پینت بال





دیدار ماه

دیدار ماه اردویی است که به صورت خودجوش و با مشارکت مجموعه های فعال فرهنگی استان قزوین دوسالی است در ایام فاطمیه برگزار می شود. در این برنامه به تعداد شصت دستگاه اتوبوس و با مساعدت ۲۵ مجموعه فعال استان، ۲۴۰۰ نفر از مردم قزوین در مراسم شام غریبان حضرت زهرا (س) در حسینیۀ امام خمینی (ره) با حضور مقام معظم رهبری شرکت کردند. در کنار مردم قزوین مردم شهر های بوئین زهرا، تاکستان، آبگرم، محمدیه، البرز، اسفرورین، آوج، خرمدشت، فارسجین، نیکویه و... نیز حضور داشتند. از اقدامات جانبی این برنامه می توان به طراحی و چاپ ۵۰۰۰ پوستر با نام مجموعه های فرهنگی مشارکت کننده، تدارک ۲۰۰۰ غذای بین راهی برای زائرین و توزیع سرپند به عنوان نماد مشترک تحت عنوان "فدائیان رهبریم" اشاره کرد.



پیوست

امام به ما آموخت که انتظار تنها در مبارزه است...



زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ
الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ
الْمُؤْتَوِّرَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِيَتْ وَ
بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ **يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ** لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ
أَهْلِ الْأَسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَنْسَسَتْ
أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَازَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي
رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتِمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ
وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ **يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ** إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ
حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللَّهُ بَنَ مَرْجَانَةَ وَ
لَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ الْجَمْعُ وَ تَنَقَّبْتُ لِقِتَالِكَ يَا بَنِي أَنْتَ وَ أُمِّي
لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَاسْتَسْلِمُ إِلَهُ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَ جِوَّهَرًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا
وَ الْآخِرَةِ **يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ** إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ
إِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَ بِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ أَنْسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَ بَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَ جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ
عَلَى أَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُؤَالَاةِ وَلِيِّكُمْ وَ بِالْبِرَائَةِ
مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَ بِالْبِرَائَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ
لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٍّ لِمَنْ عَادَاكُمْ فَاسْتَسْلِمُ إِلَهُ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ
أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقَنِي الْبِرَائَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَأَنْ يَنْتَبِثَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ

صِدْقٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ
إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يَعْطِنِي بِمَصَابِي
بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يَعْطِي مُصَابَا بِمُصِيبَةٍ مَا عَظُمَهَا وَ أَعْظَمَهَا رَزَقَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَ
الْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالَهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٍ وَ مَغْفِرَةٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ
مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتَ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَ ابْنُ
اَكَلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ
وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْعَنَ أَبَا سَفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يُزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدًا
الْأَبَدِينَ وَ هَذَا يَوْمٌ فَرَحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ بِقِتَالِكُمْ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَضَاعَفْ عَلَيْهِمْ
اللَّعْنَ مِنْكَ وَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي مَوْقِفِي هَذَا أَيَّامَ حَيَاتِي بِالْبِرَائَةِ
مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ بِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمْ السَّلَامُ

پس می گوئی صد مرتبه اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و اخر تابع له على ذلك
اللهم العن العصاة التي جاهدت الحسين و شايعت و بايعت و تابعت على قتله اللهم العنهم جميعاً
پس ميگوئی صد مرتبه السلام عليك يا ابا عبد الله و على الارواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام
الله ابداً ما بقيت و بقي الليل و النهار و لا جعله الله اخر العهد مني لزيارتكم السلام على الحسين و على
علي بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين

پس می گوئی اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني و ابدء به اولائم الثاني و الثالث و الرابع اللهم العن
يزيد خامساً و العن عبيد الله بن زياد و ابن مرجانة و عمر بن سعد و شمروا و آل ابی سفيان و آل زياد و آل
مروان الى يوم القيامة

سپس سجده می روی و میگوئی اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على
عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ
أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

❖ زیارت امین الله

زیارت معروف به «امین الله» است که در نهایت اعتبار می باشد و در تمام کتابهای زیارتی و مصابیح نقل شده. علامه مجلسی (ره) فرموده: این زیارت از جهت متن و سند از بهترین زیارات است و باید در تمام روضه های ائمه بر آن مواظبت نمایند، در باره این زیارت به سندهای معتبر از جابر، از امام باقر علیه السلام روایت شده: حضرت زین العابدین علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد، و در کنار قبر آن حضرت ایستاد و گریست و چنین گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ)، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمَلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جَوَارِهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَالْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ مُجِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَايِكَ صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ [شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ] مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ مُتَرَوِّدَةً لَتَقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَسْئُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ. پس روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةَ وَسُبُلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارَعَةً وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً وَأَفْعِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارَعَةً وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةً وَأَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةً وَدَعْوَةً مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً وَتَوْبَةً مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً وَعَبْرَةً مَنْ تَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً وَالْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً [مَبْدُولَةً] أَوِ الْإِعَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةً [مَوْجُودَةً] أَوْ عِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَرَةً وَزَلَلَ مِنْ اسْتَفْأَلَكَ مُقَالَاةً وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ

نَازِلَةً وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةً وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ [لَدَيْكَ] مُتَرَعَّةً اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَأَقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مَنَائِي وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ. أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ اغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا وَكُفْ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَذَانَا وَأُظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



❖ زیارت اربعین

چهل روز از واقعه عاشورا می گذرد، جابر بن عبدالله انصاری اولین زائر اربعین حسین علیه السلام؛ این یار صدیق رسول خاتم صلی الله علیه و آله وسلم به بزرگداشت حماسه حسینی می پردازد؛ آری اربعین حسینی نقطه آغازی است برای تزییق خون حسین (ع) در کالبد جامعه اسلامی، نقطه آغازی که به قیام نهمین فرزند حسین منتهی می شود. برای ۲۰ صفر و اربعین حسینی اعمالی مستحبی چون زیارت امام حسین علیه السلام تاکید شده است، چنان که امام حسن عسکری علیه السلام یکی از ۵ علامت مختص شیعه را زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز اربعین توصیف می کند، هر چند برای کسانی که توانایی سفر به کربلا را ندارند، خواندن زیارت اربعین که توسط امام صادق علیه السلام در کتاب «التهذیب» شیخ طوسی آمده است، توصیه شده است.

متن کامل زیارت اربعین به شرح زیر است:

اَلسَّلَامُ عَلٰی وَلِیِّ اللّٰهِ وَحَبِیْبِهِ السَّلَامُ عَلٰی خَلِیْلِ اللّٰهِ وَنَجِیْبِهِ السَّلَامُ عَلٰی صَفِیِّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ السَّلَامُ
عَلٰی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِیدِ السَّلَامُ عَلٰی اَسْرِ الْکُرْبَاتِ وَقَتْلِ الْعَبْرَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنْهُ وَلِیْکَ
وَابْنُ وَلِیْکَ وَصَفِیْکَ وَابْنُ صَفِیْکَ الْفَائِزُ بِکَرَامَتِکَ اَکْرَمَتْهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتُهُ
بِطِیْبِ الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَیِّدًا مِّنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِّنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِّنَ الذَّادَةِ وَاَعْطَيْتُهُ مَوَارِثَ الْاَنْبِیَاءِ
وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلٰی خَلْقِکَ مِّنَ الْاَوْصِیَاءِ فَاَعْدَرَ فِی الدُّعَا وَوَمَنَحَ النَّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِیْکَ لَیْسَتْ نَقْدَ
عِبَادِکَ مِّنَ الْجَهَالَةِ وَخَیْرَةَ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَیْهِ مَنُ غَرَّتْهُ الدُّنْیَا وَبَاعَ حُظَّهٗ بِالْاُذْنِ الْاَدْنٰی وَشَرٰی
اَخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْکَسِ وَتَغَطَّرَ سَ وَتَرَدَّدَ فِی هَوَاہُ وَاَسْخَطَکَ وَاَسْخَطَ نَبِیْکَ وَاَطَاعَ مَنَ عِبَادِکَ
اَهْلَ الشَّقَاقِ وَالتَّفَاقِ وَحَمَلَهُ الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِیْنَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِیْکَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتّٰی سَفِکَ

فِی طَاعَتِکَ دَمَهُ وَاَسْتَبِیْحَ حَرِیْمَهُ اَللّٰهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِیْلًا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا اَلِیْمًا اَللّٰهُمَّ عَلَیْکَ یَابْنَ
رَسُوْلِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ سَیِّدِ الْاَوْصِیَاءِ اَشْهَدُ اَنْکَ اَمِیْنُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِیْنِهِ عِشَّتْ سَعِیدًا وَمَضِیَّتْ
حَمِیدًا وَمَتَّ فَقِیدًا مَّظْلُوْمًا شَهِیدًا وَاَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهُ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَکَ وَمُهْلِکٌ مَّنْ خَدَلَکَ وَمُعَذِّبٌ مَّنْ
قَتَلَکَ وَاَشْهَدُ اَنْکَ وَفِیْتْ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَجَاهَدْتَ فِی سَبِیْلِهِ حَتّٰی اَتِیْکَ الْیَقِیْنُ فَلَعَنَّ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَکَ وَلَعَنَّ
اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَکَ وَلَعَنَّ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِکَ فَرَضِیْتَ بِهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُکَ اَنْیَ وَلِیٌّ لِّمَنَ وَالَاہُ وَعَدُوٌّ لِّمَنْ
عَادَاہُ یَابِیْ اَنْتَ وَاُمِّیْ یَابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْکَ کُنْتَ نُورًا فِی الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ
تُنْجَسْکَ الْجَاهِلِیَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْکَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِّنْ ثِیَابِهَا وَاَشْهَدُ اَنْکَ مِّنْ دَعَائِمِ الدِّیْنِ وَارْکَانَ
الْمُسْلِمِیْنَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَاَشْهَدُ اَنْکَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِیُّ الرَّضِیُّ الرَّکِّیُّ الْهَادِیُّ الْمُهْدِیُّ وَاَشْهَدُ
اَنَّ الْاِیْمَةَ مِنْ وَلَدِکَ کَلِمَةُ التَّقْوٰی وَاَعْلَامُ الْهُدٰی وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰی وَالْحُجَّةُ عَلٰی اَهْلِ الدُّنْیَا وَاَشْهَدُ اِنِّیْ
بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِیَابِکُمْ مُّوقِنٌ بِشَرَایِعِ دِیْنِیْ وَخَوَاتِیْمِ عَمَلِیْ وَقَلْبِیْ لِقَلْبِکُمْ سَلَمٌ وَاَمْرِیْ لِامْرِکُمْ مُّتَّبِعٌ
وَنُصْرَتِیْ لَکُمْ مُّعَدَّةٌ حَتّٰی یَاْذَنَ اللّٰهُ لَکُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّکُمْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ وَعَلٰی اَزْوَاجِکُمْ
وَاَجْسَادِکُمْ وَشَهِدِکُمْ وَغَائِبِکُمْ وَظَآهِرِکُمْ وَبَاطِنِکُمْ اَمِیْنُ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ.

لغات پرکاربرد عربی

زمان و تاریخ		خوشاوندی		زمان و رنگ ها					
لحظة	لحظه	اليوم	امروز	أب	پدر	أبنة	دوشیزه	أخضر	سبز
ثانية	ثانیه	أمس	دیروز	أم	مادر	الجذ	پدر بزرگ	أحمر	قرمز
دقيقة	دقیقه	قبل أمس	پریروز	أخ	برادر	الجدة	مادر بزرگ	أصفر	زرد
ساعة	ساعت	البارحة	دیشب	إخوان	برادران	الزوج	شوهر، مرد	أبيض	سفید
نهار	روز	أولة البارحة	پریشب	أخت	خواهر	الزوجة	همسر، زن	أسود	سیاه
ليل	شب	غداً – بكرة	فردا	أخوات	خواهران	إبن العم	پسر عمو	أزرق	آبی
ليالي	شب ها	بعد غد	پس فردا	رجل	مرد	بنت العم	دختر عمو	بنی	قهوه ای
فجر	سپیده دم	أسبوع	هفته	رجال	مردان	أخت الزوج	خواهرشوهر	بنفسجي	بنفش
يوم	روز	شهر	ماه	إمرأة	زن	الحفيد	نوه پسر	رمادي	خاکستری
أيام	روزها	شهور	ماهها	نسوان	زنان	الحفيدة	نوه دختر	وردي	صورتی
روزهای هفته		سنة	سال	إبن	پسر	الکنة	عروس	برتقالي	نارنجی
السبت	شنبه	سنتين	دوسال	أبناء	پسران	الضهر	داماد	خمصي	کرم
الأحد	یکشنبه	سنين	سال ها	إبنة	دختر	زوج الأخت	شوهرخواهر	ذهبي	طلایی
الاثنين	دوشنبه	فصول چهارگانه		بنات	دختران	زوجة الأخ	زن برادر	فضي	نقره ای
الثلاثاء	سه شنبه	الربيع	بهار	خال	دایی	غير شقيق	ناتنی	رصاصي	سربی
الأربعاء	چهارشنبه	الصيف	تابستان	خالة	خاله	الأقرباء	بستگان	كحلي	سرمه ای
الخميس	پنجشنبه	الخريف	پاییز	عم	عمو	الأسرة	خانواده	فاتح	روشن
الجمعة	جمعه	الشتاء	زمستان	عمة	عمه	الأرحام	ارحام	غامق	تیره

لغات پرکاربرد عربی

اعضای بدن				اعداد ترتیبی		اعداد	
مُج	رِشغ	بدن	جِسم	يَكُم	الأول	۳۰	ثلاثين
بازو	ذراع	سر	رأس	دَوَم	الثاني	۴۰	أربعين
آرنج	كوع	مو	شعر	سَوَم	الثالث	۵۰	خمسين
شانه	كتف	زبان	لسان	چهارم	الرابع	۶۰	ستين
ران	فخذ	صورت - رو	وجه	پنجم	الخامس	۷۰	سبعين
ساق پا	ساق	پیشانی	جبین	ششم	السادس	۸۰	ثمانين
زانو	رُكبة	چشم	عين	هفتم	السابع	۹۰	تسعين
پا	قدم	بینی	أنف	هشتم	الثامن	۱۰۰	مائة
پوست	جلد	گوش	أذن	نهم	التاسع	۲۰۰	ماتين
خون	دَم	دهان	فَم	دهم	العاشر	۳۰۰	ثلاثمائة
پشت	ظَهر	لب	شَفَة	یازدهم	الحادي عشر	۴۰۰	أربعمائة
سینه	صدر	حلق	خَلق	دوازدهم	الثاني عشر	۵۰۰	خمسمائة
شکم	بطن	گونه	خَذ	كسر اعداد		۶۰۰	ستمائة
پز شک	الطبيب	گردن	رَقبة	دو برابر	ضعف	۷۰۰	سبعمائة
ضغط الدم فشار خون		چانه	ذَقن	نیم	نصف	۸۰۰	ثمانمائة
داروخانه	صيدلية	دندان	أَسنان	یک سوم	ثلث	۹۰۰	تسعمائة
باند	ضمادة	سبیل	شارب	ربع	رُبع	۱۰۰۰	ألف
چسب زخم	لِزقة	ریش	لِحیة	سه ربع	ثلاثة أرباع	۲۰۰۰	ألفين
آرقد هنا اینجا دراز بکش		دست	يَد	یک پنجم	خُمس	۳۰۰۰	ثلاثة الاف
افتح فمک دهانت را باز کن		انگشت	إصبع	یک ششم	سُدس	میلیونها	ملايين
سرفه کن	إسعل	ناخن	ظَفر	یک دهم	عُشر	۵۰٪	خمسين بالمائة

لغات پرکاربرد عربی

در بازار

سوق	بازار	ساده	ساده
بدله کت و شلوار	منقط	خالداری	ساده
قمیص	پیراهن	مخطط	راه راه
تنوزه	دامن	مربعات چهارخانه	
حزام	کمربند	ساعة يد ساعتچی	
سرولفسیر شلوارک	تیاب	لباس	
بتخلون شلوار	نظاره	عینک	
سرول داخلی شورت	خرید و فروش		
جوارب	جوراب	بیع	فروش
رجالی	مردانه	شراء	خرید
نسائی	زنانه	سعر	نرخ
قیعة	کلاه	نوعیة جینة جنس خوب	
ریطه	روسری	نوعیة سبته جنس بد	
قطن	پنبه	عالی	عالی
صوف	پشم	منخفض	پایین
کتان	کتان	غال	گران
حریر	ابریشم	رخيص	ارزان
قمایش	پارچه	معقول	مناسب
منشفه	حوله	تذکار	یادگاری
لعبة اسباب بازی	اکرامیه	انعام	
شمسیه	چتر	تخفيضات تخفیف	

رستوران

مطعم	رستوران	لحم	گوشت
لاحتالعام لیست غذا	دجاج	مرغ	مرغ
وجبة طعام پرس غذا	بیض	تخم مرغ	تخم مرغ
ملح	نمک	ماهی	ماهی
لبن	دوغ	مقلية	سرخ کرده
رویه	ماست	زیت	روغن مایع
حليب	شیر	خبز	نان
چینه	پنیر	سلطة	سالاد
چای	شای	شوریه	سوپ
سکر	شکر	ماء ساخن آبجوش	
مربی	مریبا	مربطات نوشیدنی	
خوخ	آلو - هلو	جزر	خیوچ
عربوط	گلادی	خس	کاهو
تین	انجیر	بصل	پیاز
فاکهه	میوه	خیار	خیار
طازج	تازه	شمندور	چغندر
عصیر	آبمیوه	فجل	ترپ
بطیخ خربزه - طالبی		قرنیط	گل کلم
رگی	هندونه	بظاا سبب زمینی	
کروز	گیلاس	ثوم	سیر
شمش	زردآلو	بازلاء نخود فرنگی	
		بسمبسم	کنجد

میوه جات

حیوانات

أسد	بشقاب
بقرة	گاوماده
نعبان	مار
ثور	گاونر
جمل	شتر
حمامه	کبوتر
دجاجة	مرغ
سمكة	ماهی
عصفور گنجشک	
خروف	گوسفند
قط	گربه
ناقة	شتر ماده
نحلة زنبور عسل	
نملة	مورچه
پست	
رسالة	نامه
طابع بريد	تمبر
بريدسريع	پیشتر
عنوان	آدرس
المُرسل فرستنده	
المُرسل إليه گیرنده	

لغات پرکاربرد عربی

در حرم و مسجد

جامع، مصلی مسجد	فندق	هتل	مکنسه	جارو
صلاة قصر نماز شکسته	عمارة	ساختمان	کهرباتیه	برقی
تجاة القبلة رو به قبله	باب	در	طاولة	میز
تربة	نافذة ، شباك پنجره	نافذة	علاقة	پاکت دستمال
سیحه	غرفة	اتاق	فرن غاز	اجاق گاز
سیجاد	شقة	سوئیت آپارتمان	فرشاة استان مسواک	
کیشواتیه	کفشاری	مطعم	رستوران	معجون استان خمیر دندان
حافی	پایرهنه	سریر	تخت خواب	مدفأة بخاری
مكبرات الصوت بلندگو	مخدة	متکا	مرأة	آینه
جهر	صدای بلند	نسیج	منسوجات	مشط
إخفات	صدای آهسته	إكسسوارات لوازم یدکی	مفتاح	کلید
در شهر	خیوط	نخ	مقص	اطو
بند	کشور	مراحيض، مرافق توالت	مكواة	قیچی
محافظة	استان	مقعد جای نشستن	ممسخة أرض زمین شور	
مدینة	شهرستان	كرسى صندلی	قناة	ماهواره
قضاء	شهر	هاتف تلفن	لوحة	تابلو
قرية	روستا	إبرة سوزن	مصعد	آسانسور
بريد	پست	أثاث اسباب و اثاثیه	استعلامات	اطلاعات
متحف	موزه	بساط	توقيع	امضاء
مستشفى بیمارستان	متشفة وجه حوله	عاطل	خراب	
مستوصف درمانگاه	سریر	تخت	إستماره	فرم

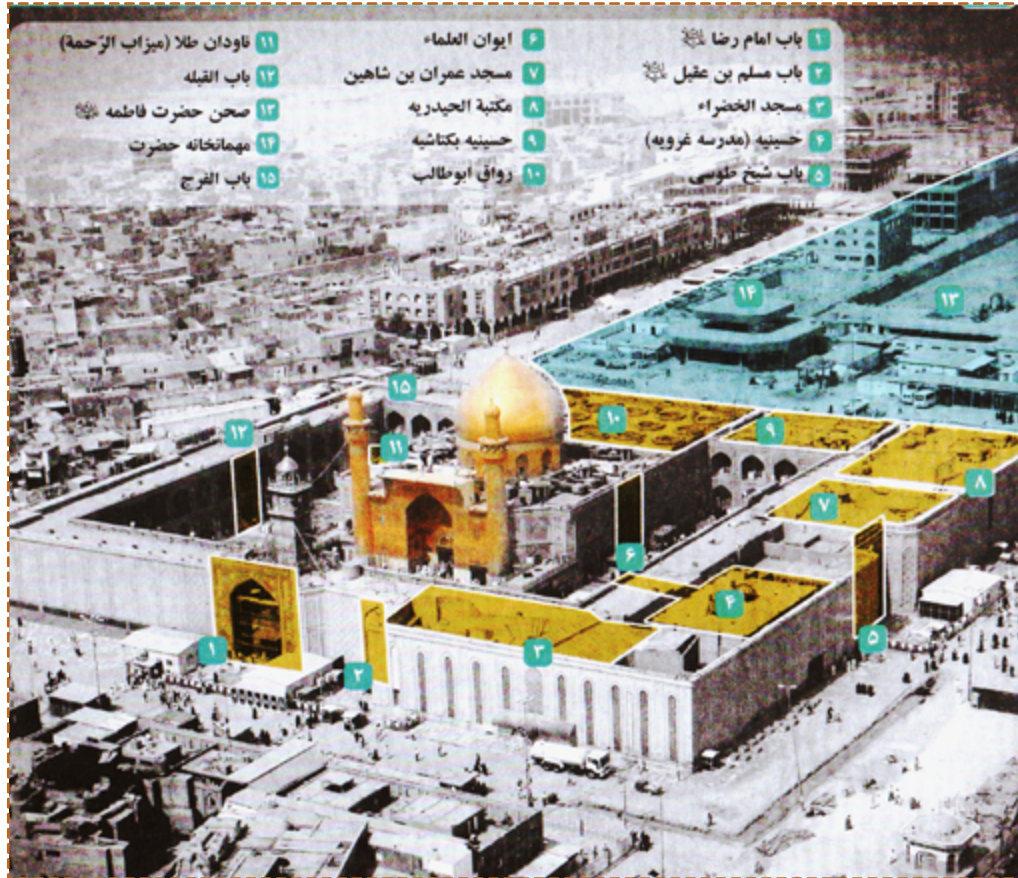
در هتل

فندق	هتل	مکنسه	جارو
عمارة	ساختمان	کهرباتیه	برقی
باب	در	طاولة	میز
نافذة ، شباك پنجره	نافذة	علاقة	پاکت دستمال
غرفة	اتاق	فرن غاز	اجاق گاز
شقة	سوئیت آپارتمان	فرشاة استان مسواک	
مطعم	رستوران	معجون استان خمیر دندان	
سریر	تخت خواب	مدفأة بخاری	
مخدة	متکا	مرأة	آینه
نسیج	منسوجات	مشط	شانه
مفتاح	کلید	مقص	اطو
مكواة	قیچی	قناة	ماهواره
لوحة	تابلو	مصعد	آسانسور
استعلامات	اطلاعات	توقيع	امضاء
عاطل	خراب	إستماره	فرم

در سفر

ذهاب	رفت	جواز سفر	گذرنامه
إياب	برگشت	بطاقة - تذكرة	بلیط
سيارة	اتومبیل	درجة أولى درجه ی یک	
سيارات	اتومبیلها	درجة ثانية درجه ی دو	
ياص	اتوبوس	الأجرة کرایه ی مسافر	
قطار	قطار	بطاقة	کارت
سكك حديدیه	راه آهن	هویه	شناسایی
سائق	راننده	متأخر	دیر کرده
طائرة	هواپیما	يصل	می رسد
مطار	فرودگاه	يرحل	روانه می شود
شارع	خیابان	يتوقف	می ایستد
زقاق، فرع	کوچه	افتح	باز کن
ساحة، دوار	میدان	أغلق	ببند
طريق	راه	أمتعة	بار سفر
طريق مشاة	پاده رو	الباخرة	کشتی
طريق مسدود	راه بسته	شاحنة - لاری	کامیون
نقشه		إلى اليمين	بطرف راست
موقف	ایستگاه	إلى اليسار	بطرف چپ
محطة	جایگاه	على طول	مستقیم
جسر	پل	باب القدام	در جلو
سلم - درجه	راه پله	باب الخلفی	در عقب

نقشه حرم حضرت علی (ع)



نقشه نجف کربلا

اطلاعات ضروری

- میزان مسافت: ۸۰ کیلومتر
- تعداد ستون ها: ۱۴۵۲ ستون
- فاصله بین هر ستون: ۵۰ متر (۲۰ ستون = ۱ کیلومتر)
- زمان لازم برای پیاده روی: ۲۰ تا ۲۵ ساعت
- زمان تخمینی سفر پیاده: ۲ تا ۳ روز

دستور العمل های پیاده روی:

۱. پیاده روی را از طلوع آفتاب آغاز کرده و در مغرب به طور کامل توقف کنید.
۲. اولین شب را در یکی از موكب ها (كمپ یا حسینیه) در حدود ستون ۵۰۰ و دومین شب را حدود ستون ۱۰۰۰ بگذرانید.
۳. مدت طولانی پیاده روی نکنید. هر زمانی لازم بود استراحت کنید.
۴. در زمان نماز مغرب جایی را برای خواب بین صدها موكب (كمپ یا حسینیه) پیدا کنید. نیازی به نگرانی نیست چون تعدادی زیادی از این موكب ها وجود دارد.
۵. مراکز افراد گمشده در ستون های ۳۳۵، ۷۲، ۶۰۲، ۱۱۰۳ و حرم حضرت عباس (علیه السلام) قرار دارند. هر ۳ کیلومتر مرکز گزارش گمشدگان تعبیه شده است.

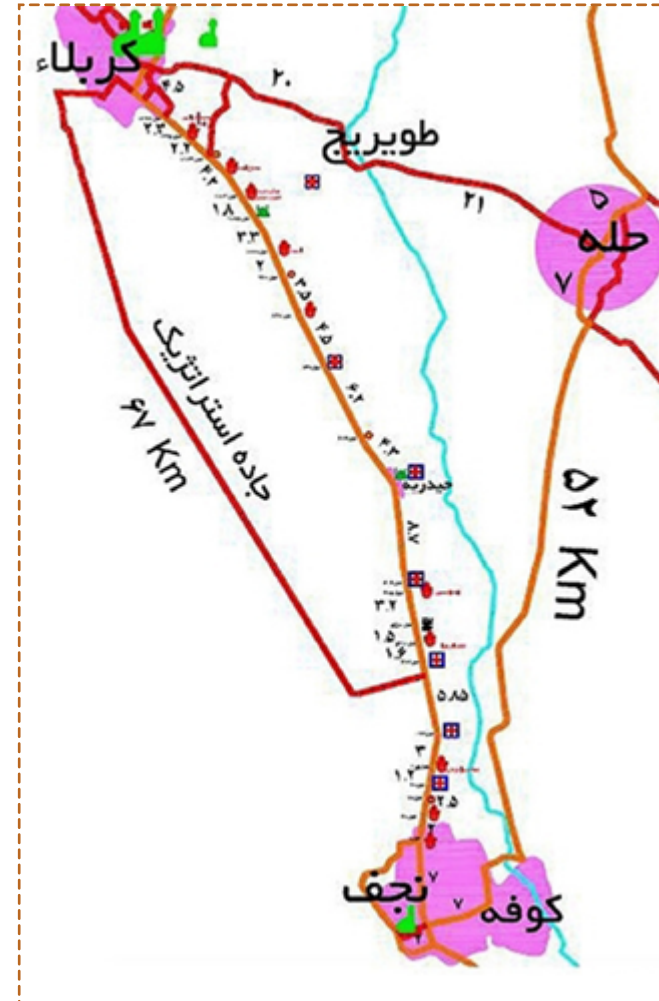
شماره های مهم:

اورژانس: ۱۰۴

افراد گمشده: ۰۷۸۰۱۳۰۰۵۶۱

احکام شرعی: ۰۷۸۱۴۶۵۱۳۵۳

اداره مرکزی: ۰۷۸۰۱۰۰۴۷۵۸



علمای مدفون در حرم حضرت علی (ع)

مقبره شیرازی				
 میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۰۰ هـ.ق.	 سید عبدالهادی شیرازی متوفی ۱۲۸۲ هـ.ق.	 آقا خواجه آقا عارف متوفی ۱۲۶۱ هـ.ق.	 سید محمد جواد طایبانی تبریزی متوفی ۱۲۸۷ هـ.ق.	 شیخ مرتضی انصاری متوفی ۱۲۸۱ هـ.ق.
 شیخ عباس قمی متوفی ۱۲۶۹ هـ.ق.	 میرزا محمد حسین تائینی متوفی ۱۲۵۵ هـ.ق.	 شیخ فضل الله شیخ الشریعة متوفی ۱۲۶۱ هـ.ق.	 سید علی اکبر خویی متوفی ۱۲۷۱ هـ.ق.	 سید مصطفی خمینی متوفی ۱۲۵۶ هـ.ق.
 سید حسین قمی متوفی ۱۲۶۹ هـ.ق.	 سید ابوالقاسم خویی متوفی ۱۲۱۲ هـ.ق.	 آخوند محمد کاظم خراسانی متوفی ۱۲۲۹ هـ.ق.	 شیخ حبیب الله رشتی متوفی ۱۲۱۲ هـ.ق.	 سید ابوالحسن اصفهانی متوفی ۱۲۵۶ هـ.ق.
 سید محمد کاظم یزدی متوفی ۱۲۳۷ هـ.ق.	 سید عبدالحسن شرف الدین متوفی ۱۲۷۷ هـ.ق.	 سید محمود شاهرودی متوفی ۱۲۵۳ هـ.ق.	 ملا احمد نراقی متوفی ۱۲۴۵ هـ.ق.	 ملا محمد مهدی نراقی متوفی ۱۲۰۹ هـ.ق.
 سید محمد فاضل شیرینی متوفی ۱۲۳۷ هـ.ق.	 شیخ محمد فاضل شیرینی متوفی ۱۲۳۷ هـ.ق.	 شیخ محمد فاضل شیرینی متوفی ۱۲۳۷ هـ.ق.	 شیخ محمد فاضل شیرینی متوفی ۱۲۳۷ هـ.ق.	 شیخ محمد فاضل شیرینی متوفی ۱۲۳۷ هـ.ق.

شماره ها مربوط به حجره محل دفن هر عالم در حرم حضرت امیر (ع) می باشد

نقشه محل دفن ستارگان حرم حضرت علی (ع)



۱. آقا خواجه عارف
 ۲. علمای بنی صدر
 ۳. محمد حسن اصفهانی
 ۴. اسماعیل مجلانی
 ۵. سید موسی مازندرانی
 ۶. سید محمد جواد تبریزی
 ۷. فتحعلی سلطان آبادی
 ۸. محمد رضا تائینی
 ۹. شیخ اعظم مرتضی انصاری
 ۱۰. طه نجف
 ۱۱. میرزا حسن نوری
 ۱۲. شیخ عباس قمی
 ۱۳. میرزا حسن تائینی
 ۱۴. شیخ الشریعه اصفهانی
 ۱۵. علی اکبر خویی
 ۱۶. سید ابوالحسن اصفهانی
 ۱۷. سید حسن بجنوردی
 ۱۸. شیخ حبیب الله رشتی
 ۱۹. آخوند خراسانی
 ۲۰. سید ابوالقاسم خویی
 ۲۱. سید محمد کاظم یزدی
 ۲۲. سید عبدالحسن شرف الدین
 ۲۳. سید محمد فاضل شیرینی
 ۲۴. سید محمد فاضل شیرینی
 ۲۵. سید محمد فاضل شیرینی
 ۲۶. سید محمد فاضل شیرینی
 ۲۷. سید محمد فاضل شیرینی
 ۲۸. سید محمد فاضل شیرینی
 ۲۹. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۰. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۱. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۲. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۳. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۴. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۵. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۶. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۷. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۸. سید محمد فاضل شیرینی
 ۳۹. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۰. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۱. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۲. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۳. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۴. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۵. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۶. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۷. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۸. سید محمد فاضل شیرینی
 ۴۹. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۰. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۱. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۲. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۳. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۴. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۵. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۶. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۷. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۸. سید محمد فاضل شیرینی
 ۵۹. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۰. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۱. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۲. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۳. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۴. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۵. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۶. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۷. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۸. سید محمد فاضل شیرینی
 ۶۹. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۰. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۱. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۲. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۳. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۴. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۵. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۶. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۷. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۸. سید محمد فاضل شیرینی
 ۷۹. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۰. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۱. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۲. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۳. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۴. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۵. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۶. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۷. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۸. سید محمد فاضل شیرینی
 ۸۹. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۰. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۱. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۲. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۳. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۴. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۵. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۶. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۷. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۸. سید محمد فاضل شیرینی
 ۹۹. سید محمد فاضل شیرینی
 ۱۰۰. سید محمد فاضل شیرینی

نقشه شهر کربلا و اماکن موجود



۱ حرم مطهر ابا عبدالله الحسین (ع)



۲ حرم مطهر ابوالفضل العباس (ع)



۳ تل زینبیه



۴ خیمه گاه (محیم)



۵ کف العباس (چپ)



۶ کف العباس (راست)



۷ شیر فضه



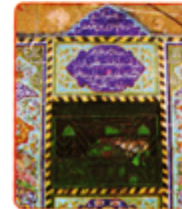
۸ مقام صاحب الزمان (عج)



۹ محل ملاقات امام حسین (ع) با عمر سعد



۱۰ مقام علی اکبر (عج)



۱۱ مقام علی اصغر (عج)



۱۲ مرقد ابن حمزه



۱۳ مقام امام صادق (عج)



۱۴ مرقد ابن مهدی (عج)



۱۵ مقام امام موسی کاظم (عج)



۱۶ مرقد ابن حمزه

دومین سوگواره بین‌المللی عاشورایی عکس‌هیأت

موضوع:

بخش اصلی؛ جلسه هیأت؛ فضای داخلی جلسه/ فضای بیرونی جلسه/ شام غریبان؛ عکس پایانی و یادبود مراسم هیأت

بخش جنبی؛ دسته عزّا/ عکس‌های قدیمی و کهن

بخش ویژه؛ کاروان عشق؛ پیاده‌روی اربعین (از نجف تا کربلا)

داوران:

آقایان: سید عباس میرهاشمی/ فرهاد سلیمانی/ محمد مهدی رحیمیان/ محمد حسین حیدری

جوایز:

بخش اصلی: رتبه اول: یک سکه بهار آزادی به همراه سه میلیون تومان کمک به هیأت.

رتبه دوم: نیم سکه بهار آزادی به همراه دو میلیون تومان کمک به هیأت.

رتبه سوم: ربع سکه بهار آزادی به همراه یک میلیون تومان کمک به هیأت.

بخش جنبی: رتبه اول هر بخش: نیم سکه بهار آزادی.

بخش ویژه: رتبه اول: یک سکه بهار آزادی.

آخرین مهلت ارسال آثار: دهم دی ماه ۱۳۹۲ مصادف با رحلت رسول اکرم (ص)

قوانین:

۱- آثار رسالی می‌تواند به صورت تک عکس یا مجموعه عکس باشد.

۲- برای شرکت در سوگواره می‌بایست از طریق نشانی اینترنتی soog1542.com ثبت نام نموده و یا به همراه آثار رسالی، فرم ثبت نام اینترنتی را تکمیل و در یک فایل با فرمت ورد به صندوق پستی: قم ۱۴۳۵-۳۷۱۹۵ سوگواره هیأت (حتماً نام صندوق قید شود) ارسال نماید.

۳- آثار باید با فرمت JPEG، مد رنگی RGB و اندازه‌ی حداقل ۲۵۰۰ پیکسل برای ضلع بزرگ ارسال شده و کیفیت مناسب جهت چاپ در ابعاد ۵۰ در ۷۰ داشته باشند.

۴- هر عکاس مجاز است حداکثر ده اثر برای شرکت در مسابقه ارسال نماید.

۵- عکس‌های دستکاری شده با سیستم‌های نرم‌افزاری پذیرفته نخواهند شد.

۶- ارسال عکس نوشته برای هر اثر الزامی می‌باشد.

تذکر: ۱- ستاد برگزاری، ارسال کننده را صاحب اثر می‌شناسد و در صورت اثبات خلاف آن، اثر مربوطه را از مسابقه حذف می‌نماید.

۲- برگزار کننده مجاز است که از آثار رسالی برای انتشارات، اطلاع‌رسانی و تبلیغات و ارتقای سطح هنری هیأت‌های مذهبی استفاده نماید.

۳- ارسال اثر به منزله پذیرش مقررات مسابقه است. تصمیم‌گیری درباره مسائل پیش‌بینی نشده و تفسیر شرایط بر عهده ستاد برگزاری سوگواره می‌باشد.

۴- آثار رسالی به دبیرخانه سوگواره، عودت داده نخواهند شد.

برگزار کننده: جامعه ایمانی مشعر

دومین سوگواره بین‌المللی عاشورایی عکس‌هیأت

المهرجان العاشورائي الدولي الثاني تحت عنوان صور الهيئة

Second International collection of Ashoura mourning pictures from religious program committees



مهم‌ترین بخش‌ها:

Main section:

Picture of gathering of committees

Internal commitment of gathering of committees

External commitment of gathering of committees

Committee picture observation of committees

Sub section:

Assembly of mourning scenes

Personal or artistic pictures

Special Section:

Cause of love: Walk from Najaf to Karbala on the day of Ashura

Prizes of main section:

First position: One golden Bahar-e Azadi and three million Toman in assistance to the committee

Second position: Half golden Bahar-e Azadi and one million Toman in assistance to the committee

Third position: Quarter golden Bahar-e Azadi and one million Toman

In assistance to the committee (contributable prizes assigned for best works from sub and special sections)

All participants will be presented with a gift as a token of appreciation.

بخش اصلی:

تصویر گردهمایی هیأت‌ها

تعهد داخلی هیأت‌ها

تعهد خارجی هیأت‌ها

تصویر هیأت‌ها

بخش فرعی:

مجموعه صحنه‌های سوگواری

تصاویر شخصی یا هنری

بخش ویژه:

مسیر عشق: راه‌پیمایی از نجف به کربلا در روز عاشورا

جوایز بخش اصلی:

رتبه اول: یک سکه بهار آزادی و سه میلیون تومان به هیأت

رتبه دوم: نیم سکه بهار آزادی و یک میلیون تومان به هیأت

رتبه سوم: ربع سکه بهار آزادی و یک میلیون تومان به هیأت

به هیأت‌ها (جوایز قابل قبول برای بهترین آثار بخش فرعی و ویژه)

همه شرکت‌کنندگان هدیه‌ای به عنوان یادبود دریافت خواهند کرد.

مهلت ارسال آثار: ۱۳۹۲/۱۲/۳۱

Deadline for all submissions: 31/12/2013

Dead submissions of the day: English letter

مهم‌ترین بخش‌ها:

Main section:

تصویر گردهمایی هیأت‌ها

تعهد داخلی هیأت‌ها

تعهد خارجی هیأت‌ها

تصویر هیأت‌ها

بخش فرعی:

مجموعه صحنه‌های سوگواری

تصاویر شخصی یا هنری

بخش ویژه:

مسیر عشق: راه‌پیمایی از نجف به کربلا در روز عاشورا

جوایز بخش اصلی:

رتبه اول: یک سکه بهار آزادی و سه میلیون تومان به هیأت

رتبه دوم: نیم سکه بهار آزادی و یک میلیون تومان به هیأت

رتبه سوم: ربع سکه بهار آزادی و یک میلیون تومان به هیأت

به هیأت‌ها (جوایز قابل قبول برای بهترین آثار بخش فرعی و ویژه)

همه شرکت‌کنندگان هدیه‌ای به عنوان یادبود دریافت خواهند کرد.

لبیک یا حسین

در صورتی که تمایل دارید از برنامه های ستاد راهیان کربلا باخبر شوید
کلمه «لبیک یا حسین» را به شماره ۳۰۰۶۰۰۲۱۰۰ پیامک نمایید.
همچنین جهت دریافت عکس ها و فیلم های سفر نیز کلمه «کاروان کربلا» را به
همین شماره پیامک کنید تا از نحوه دریافت آن ها مطلع شوید.